

فهرست مطالب

3	اول. کاربرد اصطلاحات کلیدی
4	دوم. خلاصه
5	سوم. مقدمه
10	چهارم. پالیسی جندر
12	پنجم. چهارچوب قانونی
14	عنصر اول: شخص مرتکب در مغایرت با قوانین بین المللی، یک یا چند تن افراد را از حقوق اساسی شان شدیداً محروم ساخته است.
15	عنصر دوم: شخص مرتکب یک یا چند تن افراد را به دلیل هويت گروه یا اجتماع مذکور مورد هدف قرار داده است یا بر عکس آن یک گروه یا اجتماع را به خاطر یک یا چند تن افراد مورد هدف قرار داده است.
16	عنصر سوم: اینگونه هدف‌گیری‌ها بر مبنای جنسیت بوده که در بند سوم ماده 7 اساسنامه ارائه شده است
18	عنصر چهارم: اینگونه سوء رفتار در پیوند با هرگونه عملکردی که در بند اول ماده 7 اساسنامه آمده است، و یا هرگونه جرمی که ایجاب رسیدگی عدلي و قضائي را می‌کند، صورت گرفته است.
19	عنصر پنجم: اینگونه سوء رفتار به عنوان بخشی از یک حمله گسترده و یا سیستماتیک علیه افراد ملکی، صورت گرفته است...
19	عنصر ششم: شخص مرتکب می‌دانست که اینگونه سوء رفتار به عنوان بخشی از یک حمله گسترده و یا سیستماتیک علیه افراد ملکی بوده و یا قصد انجام آن را داشته است.
21	ششم. آزمایشات مقدماتی
21	۷. تحقیقات
21	الف. آمادگی
22	ب. تحقق بخشنیدن
22	ج. تحلیل
23	هشتم. پیگرد عدلي و قضائي
23	الف. گزینش اتهامات
24	ب. روش‌های مسؤولیت پذیری
24	ج. شواهد
27	د. صدور حکم

27	ه. استیناف طلبی.....
27	نهم. پرداخت غرامت (جبران خساره)
28	دهم. همکاری و روابط خارجی
29	یازدهم. انکشاف سازمانی
30	دوازدهم. تطبیق پالیسی

اول. کاربرد اصطلاحات کلیدی

موارد ذیل دلالت به درک دفتر دادستان ("دفتر") محاکمه جنایی بین‌المللی ("محاکمه" یا "ICC") از برخی اصطلاحات کلیدی می‌نماید، که در این پالیسی به کار برده شده‌اند.

اصطلاحات کلیدی	درک
ساختر اجتماعی	بر مبنای بند سوم ماده 7 اساسنامه، اصطلاح "ساختر اجتماعی" عمدتاً به گروه ساختارها و معیارات اجتماعی اطلاق می‌شود که برای توصیف جنسیت به کار برده می‌شود. به عنوان مثال، اینها شامل گرایش جنسی، هویت جنسی و بیان جنسیت، مانند "زن"، "مرد"، "دختر" و "پسر" می‌باشند. درست مانند ساختارها و معیارات اجتماعی که برای توصیف درک نژاد، قومیت و فرهنگ مورد استفاده قرار می‌گیرند، ¹ به همان گونه ساختارها و معیارات اجتماعی برای توصیف درک جنسیت به کار گرفته می‌شوند. ²
جنسيت	بر مبنای بند سوم ماده 7 اساسنامه روم ("اساسنامه")، اصطلاح "جنسیت" به دو جنس، مرد و زن، در متن جامعه اطلاق می‌شود. جنسیت در واقع به ویژگی‌های جنسی و ساختارها و معیارات اجتماعی اطلاق می‌شود که برای توصیف مرد بودن و زن بودن، به شمول نقش‌ها، رفتارها، فعالیت‌ها و مواصفات آنها به کار برده می‌شود. ³ به عنوان یک ساختار اجتماعی، جنسیت در عین جوامع متفاوت بوده و از یک جامعه تا جامعه دیگر فرق نموده و با گذشت زمان می‌تواند تغییر کند. این درک جنسیت با ماده 21 اساسنامه مطابقت دارد.
ظلم و استبداد مبتنی بر جنسیت	بر مبنای ماده 7 (1) (h)، تعذیب جنسیتی جنایت علیه بشریت مبتنی بر جنسیت می‌باشد. تعذیب جنسیتی به خاطر ویژگی‌های جنسی و/یا به خاطر ساختارها و معیارات اجتماعی که برای توصیف جنسیت استفاده می‌شوند، اتفاق می‌افتد.
بینا جنسی	"بینا جنسی" به عنوان یک اصطلاح عمومی یا چتری برای توصیف طیف وسیع تفاوت‌های طبیعی بدن از لحاظ ویژگی‌های جنسی به کار برده می‌شود. ⁴
افراد (LGBTQI+)	مخفف لزین، گی، دوجنسگر، ترنسجندر، اینترسکس و کوئیر است. علامت (+) دلالت به افرادی می‌کند که به نحوی به عنوان جامعه همجنسگرایان و افراد شامل در کتگوری (LGBTQI) توصیف می‌شوند، اما برای شناسایی هویت خویش از اصطلاحات دیگر استفاده می‌کنند. ⁵

1 دادستان در برابر *Ntaganda* ، فیصله محاکمه ششم، ([ICC-01/04-02/06](#))، پاراگراف 1010، دادستان در برابر *Rutaganda* ، فیصله محاکمه اول، ([ICTR-96-3-T](#))، پاراگراف 56، دادستان در برابر *Jelisić* ، فیصله محاکمه، ([IT-95-10-T](#))، پاراگراف 70.

2 سند پالیسی در مورد جرائم جنسی و مبتنی بر جنسیت ([Policy Paper on Sexual and Gender-Based Crimes, p](#))، صفحه. سوم.

3 سند پالیسی در مورد جرائم جنسی و مبتنی بر جنسیت ([Policy Paper on Sexual and Gender-Based Crimes, p](#))، صفحه. سوم. سازمان صحي "جنس و جنسیت" ("Sex and Gender").

4 سازمان ملل متعدد آزاد و برابر، برگه اطلاعاتی: دو جنسه (Fact Sheet: Intersex).

5 هرجند مخفف LGBTQI+ طیف وسیع افراد را دربر می‌گیرد، اما هنوز هم جامع نبوده و نمی‌توان آنرا یک مخفف سترد جهانی دانست.

دوم. خلاصه

تعذیب یک نگرانی درازمدت بین المللی بوده و به گونه مستحکم بر مبنای قوانین سنتی بین المللی استوار می باشد. تعذیب به عنوان جنایت علیه بشریت و جنایت بین المللی در منشور های لندن و توکیو و قضاؤت های محاکم نظامی بین المللی بعد از جنگ جهانی دوم بازتاب یافت و شواهد جرایم مبتنی بر جنسیت در سوابق تحریری آنها به چشم می خورد.

با وجود موجودیت سوابق دیرینه شواهد جرایم مبتنی بر جنسیت در شرایط جنگی، جنایت ضد بشری مبتنی بر جنسیت، که در این پالیسی به عنوان "تعذیب جنسیتی" از آن یاد آوری صورت گرفته است، تا زمان به تصویب رسیدن اساسنامه روم (به عنوان نخستین اساسنامه قانون جزای بین المللی که تعذیب جنسیت را به این ترتیب به رسمیت می شناسد) در قوانین و معاهدات به صراحت تسجیل نیافته بود. گنجانیدن تعذیب جنسیت در واقع ناشی از تلاش های موفقیت آمیز در راستای شناسایی انواع مختلف آسیب های جنسی و مبتنی بر جنسیت در اساسنامه می باشد.

با وجود آنکه به رسمیت شناخته شده است، هنوز هم شماری زیادی از قربانیان به عدالت دسترسی ندارد. در خشونت ها و جنایات در گوشه های مختلف جهان، بازیگران مسلح دست به جرایم مبتنی بر جنسیت زده اند، که این ظلم و استبداد مبتنی بر جنسیت به عنوان جنایت علیه بشریت تلقی می شود. با وجود آنکه از به رسمیت شناختن آن پیش از 20 سال می گذرد، دفتر مذکور به تازگی رسیدگی به اتهامات ظلم و استبداد مبتنی بر جنسیت در قضایای خود را آغاز نموده است، که سبب ایجاد خلا در پیشرفت های پیگرد عدلي و قضائي جنایي بین المللی شده است.

این تأخیر در پیگرد عدلي و قضائي تعذیب جنسیتی به عنوان جنایت علیه بشریت، توسط اقدامات سایر محاکم جنایي بین المللی و نهاد های عدلي و قضائي ملي نیز طنین انداز می شود. در نتیجه، در محاکم داخلی و بین المللی به ندرت به قضایای تعذیب جنسیتی رسیدگی کافی صورت می گیرد. این امر در فقدان شواهد در سوابق تاریخي نقش داشته است، با وجود اتفاقات مکرر.

از لحاظ تعریف، جرایم مبتنی بر جنسیت گروه هایی چون زنان، مردان، اطفال و افراد LGBTQI+ را که بر مبنای جنسیت شان مورد هدف قرار می گیرند تحت پوشش قرار می دهند. اساساً، مرتکبین جرایم مبتنی بر جنسیت به خاطر جزا دادن به اشخاصی که تصور می شود از معیارات جنسیت تخطی می کنند، دست به همچو جرایم می زنند که در واقع توصیف کننده اشکال "پذیرفته شده" بیان جنسیت مانند نقش ها، رفتار ها، فعالیت ها و مواصفات می باشد. این معیارات اکثراً بالای تمام عرصه های زندگی اثرگذار بوده و می تواند تعیین کننده حدود آزادی حرکی افراد، اختیارات باروری آنها، اینکه با کی ازدواج کنند، در کجا کار کنند، چگونه لباس بپوشند و یا خیلی ساده اینکه آیا آنها اجازه موجودیت دارند یا خیر، باشد.

همانند سایر انواع تعذیب، حسابدهی در برابر تعذیب جنسیتی نیز مستلزم شناخت و درک تبعیض به عنوان عامل سیبی جرم می باشد. این کافی نیست که صرف مرتکبین جرایم در جریان جنایات، پاسخگو باشند. هرگاه خواسته باشیم تبعیض را از بین بیریم و زنجیره خشونت را درهم شکنیم، عدالت نیاز به درک جامع از قضایا دارد و این که چرا مرتکبین به همچمود اعمالی دست زده اند.

با در نظر داشت پیامدهای ناگوار آنها بالای قربانیان و جوامع متاثر شده، شرایطی که اکثراً در آن جرم صورت می گیرد و اهمیت رسیدگی به جرایمی که به شکل سنتی تحت پیگرد عدلي و قضائي قرار نگرفته اند، تحقیق و پیگرد جرایم جنسی و مبتنی بر جنسیت از اولویت های کلیدی دفتر دادستان به شمار می رود. دفتر مذکور پالیسی در مورد جرایم تعذیب جنسیتی را تدوین نموده است تا به تحقق کامل اهداف خویش در این راستا دست یابد.

قانون جزای بین الملل تایید می کند که افرادی دارای هرگونه جنسیت و گرایش جنسی می توانند مورد هدف خشونت جنسی و مبتنی بر جنسیت قرار گیرند. این در حالیست که تبعیض جنسیتی در طول تاریخ به عنوان عامل تشدید کننده خشونت در قانون جزای بین الملل شناخته نشده است. به عنوان مثال، اکثراً به خشونت جنسی به عنوان یک جرمی که از لحاظ جنسیت خنثی می باشد نگریسته شده است، که به نوبه خود وقوع تبعیض جنسیت در همچو جرایم را نادیده می گیرد.

به رسمیت شناختن تبعیض جنسیت نه تنها در برملا ساختن قصد تبعیض آمیز که می تواند سبب بروز همچو جرایم و در مجموع سبب درگیری ها شود، ممد واقع می شود، بلکه می تواند قربانیانی را که در معرض آسیب پذیری از این نوع مختلف و مرتبط تبعیض قرار داشته باشند، مشخص سازد. به عنوان مثال، افراد جامعه LGBTQI+ می توانند به گروه های زنان، دختران، مردان و پسران تعلق داشته باشند و همچنین می توانند به دلیل متعلق بودن به گروه LGBTQI+، مورد هدف قرار گیرند.

همچنان به رسمیت شناختن آن می تواند بازتاب دهنده ادامه تبعیض های ساختاری دیرینه و درازمدت و محرومیت از حقوق اساسی باشد، که گروه های از لحاظ جنسیت آسیب پذیر مانند زنان، دختران و افراد LGBTQI+ آنر تجربه نموده اند. به همین ترتیب می تواند ما را در شناسایی تبعیض های زن ستیزانه، همجنسگرها رسانی و ترانسجندر هراسی کمک نماید، علی الخصوص زمانی که با تبعیض های نژادی، قومی و سایر اشکال تبعیض که به نوبه خود برای جرایم زمینه مساعد می سازد، همراه باشد. حسابدهی در برابر تبعیض جنسیتی از یک سوی تواند جوامع را در دستیابی به صلح پایدار یاری رساند و از سوی دیگر می تواند روند عادی سازی و نهادینه سازی تبعیض و خشونت جنسیت را ببرهم زند.

اتهامات تبعیض جنسیتی می تواند در مقایسه با اتهامات دیگر ما را در راستای شناسایی زنجیره وسیعتر جرایم یاری رساند و می تواند در پر نمودن خلا های ناشی از فرهنگ معافیت از مجازات ممد واقع شود. همچنان، اتهامات ظلم و استبداد مبتنی بر جنسیت می تواند در شناسایی یک عده عملکرد های مبتنی بر جنسیت نیز کمک کننده باشد، که امکان دارد در حاشیه اکثریت جرایم قانونی دریافت شوند و یا دریافت نشوند، و بدین ترتیب آسیب های را که اکثراً از نظر پنهان مانده اند، برملا سازند.

ماموریت محکمه برای "پایان دادن به فرهنگ معافیت از مجازات"، از دفتر مذکور مطالبه می نماید که تاثیرات کلی عملکرد تعذیب جنسیتی را مدنظر داشته باشد. خاصیتاً شناسایی تاثیرات کلی همچو عملکرد ها می تواند به روند ارزیابی و خامت یک قضیه توسط دفتر مذکور اطلاع رسانی نماید، در حالیکه می تواند از طریق توصیف دقیق اهمیت و میزان بدرفتاری آنها به نفع قربانیان و جوامع متأثر شده تمام شود. در صورت امکان، تشخیص نقض حقوق اساسی بر مبنای تبعیض که در کل می تواند منجر به محرومیت شدید شود، در ایجاد یک پیشینه تاریخی دقیقت و جامعت برای اینگونه تخطی ها می تواند نقش داشته باشد.

به اساس پیشنهاد دادستان، مشاور ویژه در امور تبعیض جنسیتی مسوده پالیسی هذا را تهیه نموده است. پالیسی مذکور با در نظر داشت ابتکار دادستان در راستای تقویت مشارکت جامعه مدنی، از طریق یک پرسوه مشورتی گسترده یک ساله انکشاف یافته است، که مشاورین ویژه، کارمندان دفتر و بازیگران خارجی مانند نمایندگان دولت ها، کارشناسان سازمان ملل متعدد، دفتر امور زنان سازمان ملل متعدد، سازمان های بین المللی، نهاد های جامعه مدنی، جوامع متأثر شده، فعالان، اساتید، دانشمندان و قربانیان/بازماندگان از طریق ورکشاپ ها، نشست ها و جلسات متعدد قبل و بعد از تدوین این پالیسی، نیز در آن شرکت ورزیده اند. تعداد سازمان ها، نهاد ها، دولت ها، کارشناسان سازمان ملل متعدد، کارشناسان مستقل، فعالان، دانشمندان و اساتیدی که به نمایندگی از بیش از 100 کشور در زمینه مطالب ارائه نموده اند به بیشتر از 500 مرجع می رسد، که بازتاب دهنده اهمیت تدوین این پالیسی می باشد.

حسابدهی در برابر عملکرد های تعذیب جنسیتی و جلوگیری از این پدیده، مستلزم اقدامات و تعهد مشترک تمام بازیگران ذیربیط می باشد. با تصویب این پالیسی، دادستان تعهد می نماید که در راستای تحقق آن از هیچگونه تلاش دریغ نخواهد ورزید.

سوم. مقدمه

1. تعذیب یک نگرانی درازمدت بین المللی بوده و به گونه مستحکم بر مبنای قوانین سنتی بین المللی استوار می باشد. تعذیب به عنوان جنایت علیه بشریت و جنایت بین المللی در منشور های لندن و توکیو و قضاوت های محاکم نظامی بین المللی بعد از جنگ جهانی دوم، بازتاب یافته است و شواهد جرایم مبتنی بر جنسیت در سوابق کتبی آنها به چشم می خورد.⁶

2. اساسنامه روم متعلق به محکمه جزای بین المللی، نخستین قانون جزای بین الملل می باشد که تعذیب مبتنی بر جنسیت ("تعذیب جنسیتی") را به عنوان جنایت علیه بشریت به رسمیت می شناسد.⁷ به رسمیت شناختن تعذیب جنسیتی جزء عدمة شناسایی بهتر انواع مختلف آسیب های جنسی و مبتنی بر جنسیت در اساسنامه می باشد.

3. جرایم جنسی و مبتنی بر جنسیت به عنوان جدی ترین جرایم در اساسنامه پنداشته شده⁸ و تحقیق و پیگرد عدلي و قضایي همچو جرایم از اولویت های کلیدی دفتر دادستان به شمار می رود. دفتر مذکور تعهد نموده است که در تمام مراحل کاری خویش، از مرحله بررسی اولیه گرفته تا مراحل صدور حکم، استئناف طلبی و پرداخت غرامت (جبران خساره)، به همجمو جرایم، منجمله تعذیب جنسیتی، توجه خاص داشته باشد.⁹

4. بر مبنای ماده 7 (g) اساسنامه، "تعذیب" به محرومیت عدی و شدید از حقوق اساسی اطلاق می شود که به دلیل هویت یک گروه یا اجتماع صورت گرفته و با قوانین بین المللی مغایرت دارد. تعذیب جنسی عدتماً به خاطر ویژگی های جنسی و/یا به خاطر ساختار ها و معیارات اجتماعی که برای توصیف جنسیت به کار برده می شوند، اتفاق می افتد.¹⁰

5. تمام افرادی که در چهارچوب محکمه قربانیان¹¹ جرایم پنداشته می شوند، می توانند مطابق ماده 7 (h) اساسنامه با تعذیب، منجمله تعذیب جنسیتی روبرو باشند. گروه هایی که مورد تعذیب جنسیتی قرار می گیرند، می توانند شامل زنان، دختران، مردان، پسران، افراد LGBTQI+ و دسته های فرعی گروه های یاد شده، باشند.¹²

6. قانون جزای بین الملل تایید می کند که افراد دارای هرگونه جنسیت و گرایش جنسی می توانند مورد هدف خشونت جنسی و مبتنی بر جنسیت قرار گیرند. این در حالیست که در چهارچوب قانون جزای بین الملل تبعیض مبتنی بر جنسیت در طول تاریخ به

عنوان عامل سبی خشونت شناخته نشده است¹³. به عنوان مثال، اکثرأ به خشونت جنسی به عنوان یک جرمی که از لحاظ جنسیت خنثی می باشد نگریسته شده است، که بُعد جنسیت در آن نادیده گرفته می شود¹⁴.

-
6. به عنوان مثال، طرزالعمل عدلي و قضائي نورمبرگ جلد چهارم، مؤرخ 8 جنوری 1946، صفحه 506; جلد ششم، مؤرخ 29 جنوری 1946، صفحه 309 و جلد دوازدهم، مؤرخ 25 اپريل 1946، صفحه 199 (Vol. 4, 8 January 1946 at p. 506; Vol. 6, 29 January 1946 at p. 309; and, Vol. 12, 25 April 1946 at p. 199). افزون بر آن، هم قانون بین المللی حقوق بشر و هم قانون پناهندگان، نیز ظلم و استبداد مبتنی بر جنسیت/مرتبط با جنسیت را طی سی سال گذشته به رسمیت شناخته اند. اوستروولد، وی، "ظلم و استبداد مبتنی بر جنسیت و محکمه جنایی بین المللی: ارتباط قانون پناهندگان با جنایات علیه بشریت نوع ظلم و استبداد مبتنی بر جنسیت" ("Relevance to the Crimes Against Humanity of Gender-Based Persecution" (سال 2006)، 49، صفحات 51-50).
- 7 ماده 7 (1) (h) اساسنامه (Statute).
- 8 سند پالیسي در مورد جرائم جنسی و مبتنی بر جنسیت (Policy Paper on Sexual and Gender-Based Crimes)، پاراگراف 45، قطعنامه شماره 2476 شورای امنیت سازمان ملل متحد (UNSC Resolution 2467)، سال (2019)، پاراگراف 15.
- 9 سند پالیسي در مورد جرائم جنسی و مبتنی بر جنسیت (Policy Paper on Sexual and Gender-Based Crimes)، پاراگراف 4 سند پالیسي در مورد گزینش و اولویت بندی قضیه (Policy Paper on Case Selection and Prioritisation)، پاراگراف 46.
- 10 لطفاً به سند پالیسي در مورد جرائم جنسی و مبتنی بر جنسیت (Policy Paper on Sexual and Gender-Based Crimes.) مراجعه نمایید.
- 11 این پالیسي از اصطلاح "قربانی" طوري که در قاعده شماره 85 (a) تذکر داده شده است، استفاده نموده و تایید می کند که افرادی که جرایم يا آسیب ها را تجربه می کنند، می توانند به عنوان "قربانی" يا "بازمانده" شناخته شوند.
- 12 هرجند افراد LGBTQI+ می توانند به گروه های زنان، دختران، مردان و پسران تعلق داشته باشند، آنها همچنان می توانند به خاطر تعلق داشتن شان به گروه های LGBTQI+ مورد هدف قرار گیرند.
- 13 ستراتيژي و بلان اجرایوي جنسیت IIIM (IIIM Gender Strategy and Implementation Plan)، نسخه خلاصه شده (30 سپتامبر 2022)، صفحات 5 و 9 ("ستراتيژي جنسیت IIIM"). اين واقعیت که خشونت جنسی که از مدت ها بدینسو به عنوان عوارض جانی اجتناب نایذر خشونت های مسلحه پنداشته می شود، سبب شده است، تا جنایات خشونت جنسی نادیده گرفته شوند و در نتیجه به مرتکبين اجازه دهد تا از فرهنگ معافیت مجازات سود برد و به این عملکرد ادامه دهند". ستراتيژي جنسیت IIIM (IIIM Gender Strategy)، صفحه 4.
- 14 ستراتيژي جنسیت IIIM (IIIM Gender Strategy)، صفحه 9.

7. دفتر مذکور از عدم موجودیت هرگونه جانبداری در چگونگی ارزیابی قضایای احتمالی تعذیب جنسیتی اطمینان حاصل نموده و تشخیص می دهد که هر فرد می تواند بر مبنای جنسیت مورد هدف قرار گیرد، و در پیوند به اینکه کدام جرایم می توانند زمینه ساز تعذیب جنسیتی باشند، نباید هیچگونه پیش فرض جانبدارانه وجود داشته باشد.

8. در ارتباط با تعذیب جنسیتی که در برابر اطفال انجام می یابد و یا بالای اطفال اثربار می باشد، دفتر مذکور همچو عملکرد ها و یا جرایم را با توجه به تعهدی که در برابر اطفال در اساسنامه وجود درد و با توجه به این واقعیت که اطفال در چهارچوب قوانین بین المللی از حقوق و حمایت ویژه برخوردار اند، خیلی جدی می پندارد¹⁵. عملکرد های بر مبنای تعذیب که اطفال را بر اساس سن یا تولد شان مورد هدف قرار می دهند، می توانند مطابق پالیسی در مورد اطفال، به شکل مرتبط یا بهم تنیده، منجمله جنسیت، مورد پیگرد قرار گیرند¹⁶. زمانیکه دفتر مذکور شدت و پیامدهای ناگوار همچو جرایم را ارزیابی می نماید، به اطفال قربانی تعذیب جنسیتی در هر سنی که قرار داشته باشد، از سن تولد گرفته تا سنین نوجوانی، توجه ویژه مبنول خواهد داشت. افزون بر آن، دفتر مذکور حین تعامل با اطفال قربانی تعذیب جنسیتی، از یک رویکرد مبتنی بر آگاهی از تrama یا فشار و روحی و روان، و کودک محور استفاده به عمل خواهد آورد¹⁸.

9. در حالیکه تعذیب جنسیتی می تواند علیه تمام افراد در پیوند با جرایم تحت صلاحیت محکمه اتفاق بیافتد، همچو جرایم می توانند بازتاب دهنده ادامه تبعیض های ساختاری، دیرینه و درازمدت و همچنان محرومیت از حقوق اساسی باشند که زنان، دختران و افراد LGBTQI+ آنرا تجربه نموده اند¹⁹.

10. نیت تبعیض آمیز مرتكبین می تواند با ساختارها یا معیارات اجتماعی موجود که برای توصیف جنسیت به کار بردہ می شود تداخل (همپوشانی) داشته باشد، آنرا تشدید نماید، و یا هم موارد جدید را تحمیل کند. همچنان، نیت تبعیض آمیز مرتكبین می تواند با سایر مینا های تعذیب که در اساسنامه منوع قرار داده شده اند، نیز تداخل داشته و هم می تواند ساختارها و معیارات اجتماعی موجود را که برای توصیف گروه های مورد هدف بر مبنای نژاد، قومیت یا فرهنگ به کار بردہ می شود، منعکس سازد و یا موارد جدیدی را تحمیل کند²⁰.

11. نمونه های اخیر عملکرد هایی که می توانند به تعذیب جنسیتی بانجامند، شامل جرایمی می باشند که در آن زنان، دختران، مردان، پسران و افراد LGBTQI+ توسط جناح های درگیر در افغانستان²¹، جناح های درگیر در کولمبیا²²، گروه "داعش" در عراق²³، جناح های درگیر در لیبیا²⁴، گروه های مسلح در میانمار²⁵، جناح های درگیر در نایجیریا²⁶، گروه های مسلح در سوریه²⁷ و جناح های درگیر در یمن²⁸، مورد هدف قرار گرفته اند.

15 پالیسی در مورد اطفال ([Policy on Children](#)) پاراگراف 57.

16 پالیسی در مورد اطفال ([Policy on Children](#)) پاراگراف های 37 و 51.

17 نوجوانی عبارت از مرحله بین طفولیت و بزرگسالی بوده، که بین سنین 10 تا 19 سالگی را دربر می گیرد. سازمان صحي جهان، صحت نوجوانان ([Adolescent Health](#)).

18 پالیسی در مورد اطفال ([Policy on Children](#)) پاراگراف های 9، 22، 23، 28، 33، 34، 63، 70، 71، 106، 109، 116 و 120.

19 اصطلاح "جنسیت" ... دریگیرند مسائل ذیل است: درک روش هایی که در آن نقش های ساخته شده اجتماعی جنسیت می تواند به عدم تعادل قدرت علیه زنان و دختران بانجامد. آگاه بودن در مورد اینکه تبعیض مبتنی بر جنسیت همجنین به افراد دارای SOGI [گرایش جنسی و هویت جنسیت] گوناگون صدمه می زند و می تواند سبب نامرئی شدن تجارب آنها یا درک ناقص آنها شود. و حصول اطمینان از اینکه برداختن به ساختار های جنسیت که به مردان و پسران آسیب می رسانند، تلاش ها در راستای رسیدگی به نابرابری و تبعیض سیستماتیک را که زنان و دختران آنرا در تمام جوامع تجربه می کنند، تضعیف نمی سازد. ستراتژی جنسیت IIIIM Gender Strategy ([IIIIM Gender Strategy](#))، صفحه 6، "خشونت مرتبط با درگیری بر مبنای گرایش جنسی و هویت جنسیت می تواند از لحظه ماهیت ساختاریانقه باشد و بخی از عملکرد ها می تواند به الگوهای اجتماعی تبعیض آمیز بزرگتر مرتبط باشند، البته ناشی از جرم پنداشتن و/یا نورم های اجتماعی طرد کننده، که تمام آنها به صورت ستراتژیک و تاکتیکی توسط بازیگران خشونت مورد استفاده قرار می گیرند". مجمع عمومی سازمان ملل متحد، محافظت در برابر خشونت و تبعیض بر مبنای گرایش جنسی و هویت جنسیت ([A/75/235](#)، [ICC-01/04-02/06](#))، پاراگراف 1010، دادستان در برابر *Rutaganda*، فیصله محکمه اول، 37.

20 دادستان در برابر *Ntaganda* ، فیصله محکمه ششم، [\(A/75/235\)](#)، پاراگراف 27 جولای 2022 (2022) پاراگراف 70.

12. تمام اجرات تعهدات دفتر مذکور در روشنایی رویکرد های مبتنی بر جنسیت صورت می گیرد. دفتر مذکور متعهد است که اساسنامه را در مطابقت با قوانین بین الملل، علی الخصوص قوانین حقوق بشر، مطابق ماده 21 (1) (b) - (c) و (3) اساسنامه تطبیق و تفسیر نماید. بناءً این اصول دفتر مذکور را در راستای تحقق مسئولیت های همیشگی اش در قبال جنسیت رهنمایی خواهد نمود.

13. با درک شدت تعذیب جنسیتی و اهمیت تحقیق و پیگرد آن، دفتر دادستان برای اولین اتهام جرم تعذیب جنسیتی را در پرونده دادستان در برابر الحسن (*Prosecutor v. Al Hassan*) مدنظر گرفت²⁹. برای نخستین بار در تاریخ محکمه، به تاریخ 30 سپتامبر 2019 دفتر رسیدگی به امور قبل از محکمه جزای بین المللی، اتهامات تعذیب جنسیتی را مورد تایید قرار داد.

14. در سال 2022، دادستان صلاحیت های کاری و ظرفیت واحد جندر و اطفال ("GCU") را ارتقا بخشید، تا اولویت های دفتر مذکور را در مورد مسائل موضوعی بازتاب دهد. واحد جندر و اطفال (GCU) از فعالیت های تمام مراحل کاری (بررسی های اولیه، تحقیقات، محکمه، صدور حکم، استیناف طلبی و پرداخت غرامت/جبران خساره) تمام تیم های متعدد و سایر واحد ها و بخش های تخصصی در عرصه جرایم جنسی و مبتنی بر جنسیت و جرایمی که در برابر اطفال و سایر افراد آسیب پذیر صورت می کشند و یا به نحوی بالای آنها اثرگذار می باشند، به شمول مسائل مرتبط به تعذیب جنسیتی، حمایت همه جانبیه می نماید.

15. دفتر مذکور صرف زمانی از صلاحیت رسیدگی به قضایای تعذیب جنسیتی برخوردار می باشد که در پیوند با هرگونه عملکردی که در بند اول ماده 7 اساسنامه آمده است، و یا هرگونه جرمی که ایجاب رسیدگی عدلی و قضایی را می کند، صورت گرفته باشد³⁰ و زمانیکه معیارات عناصر مرتبط به جنایت علیه بشریت را تکمیل نماید.

21 "ولو اگر به آسمان هم برسی، تو را پیدا خواهیم کرد؛" افراد LGBT در افغانستان پس از سلط طالبان ([Even If You Got to the Skies, We'll Find You: LGBT People in Afghanistan After the Taliban Takeover Human Rights in Afghanistan: 15 August 2021 to 15 June 2022](#))، صفحات 12-14 و 20. لطفاً به صفحه حقوق بشر در افغانستان ([Human Rights in Afghanistan: 15 August 2021 to 15 June 2022](#))، صفحات 15 از آگوست 2021 تا 15 جون 2022، مراجعه نمایید، مأموریت کمک سازمان ملل متعدد در افغانستان (یوناما)، (ماه جولای 2022)، صفحه 17.

22 Caso 05, Auto 066 de 2021, Jurisdicción Especial para la Paz, Sada de Reconocimiento de verdad, de responsabilidad y de determinación de los hechos y conductas, [14 April 2021](#), paras. 2.2 and 2.3.

23 گزارش دفتر کمیشنری عالی حقوق بشر سازمان ملل متعدد (OHCHR) در مورد وضعیت حقوق بشر در عراق در پیوند با تخلفاتی که توسط به اصطلاح دولت اسلامی در عراق و شام (داعش) و گروه های وابسته به آن صورت گرفته اند ([A/HRC/28/18](#))، (27 مارچ 2015)، پاراگراف های 35 – 43.

24 گزارش هئیت مستقل حقیقت یاب در لیبی ([A/HRC/48/83](#))، (29 نومبر 2021)، پاراگراف های 45 و 52.

25 فیصله مرتبط به ماده 15 اساسنامه روم در مورد صلاحیت تحقیق اوضاع در جمهوری خلق بنگلادش/جمهوری اتحادیه میانمار، ([ICC-01/19-27](#)) پاراگراف .86.

26 بیانیه دادستان، فاتو بنسودا، در مورد نتایج آزمایش مقدمات اوضاع در نایجیریا ([Statement of the Prosecutor, Fatou Bensouda, on the conclusion of the preliminary examination of the situation in Nigeria](#)، [conclusion of the preliminary examination of the situation in Nigeria](#)، مؤخر 11 دسامبر 2020).

27 گزارش کمیسیون مستقل تحقیقات بین المللی در مورد جمهوری عربی سوریه ([A/HRC/46/54](#))، (21 جنوری 2021)، پاراگراف های 49 – 53.

28 وضعیت حقوق بشر در یمن، به شمول تخطی ها و سوء استفاده، از ماه سپتامبر 2014 بدینسو ([A/HRC/45/CRP.7](#))، (29 سپتامبر 2020)، پاراگراف های 196 – 234.

29 دادستان در برابر الحسن، تأیید اتهامات، ([ICC-01/12-01/18](#))، ("تأیید اتهامات الحسن"). قضیه الحسن نخستین موردی است که در آن اتهامات تعذیب جنسیتی مطرح شده است. اتهامات تعذیب جنسیتی (نظام با دلایل قوی، سیاسی و/یا مذهبی) نیز از آن زمان در وضعیت جمهوری افريقيای مرکزی و دارفور مطرح شده است. لطفاً به دادستان در برابر الرحمن، فیصله تأیید، ([ICC-02/05-01/20](#))، ("فیصله تأیید الرحمن"، مراجعه نمایید. همچنان لطفاً به دادستان در برابر سید، فیصله تأیید، ([ICC-01/14-01/21](#))، ("فیصله تأیید سید"، نیز مراجعه نمایید. قبل از قضیه الحسن، دادستان تلاش نمود تا اتهامات ظلم و استبداد مبتنی بر جنسیت را در قضیة (Mbarushimana) مطرح نماید، اما ادر نهایت این موارد در اسناد حاوی اتهامات درج نشد. دادستان در برابر ([Mbarushimana](#))، دفتر رسیدگی به امور قبل از محکمه اول، ([ICC-01/04-01/10](#)).

16. اهداف این پالیسی قرار ذیل اند:

- تأکید بر تعهدات دفتر دادستان در راستای توجه خاص و رسیدگی به قضایای مرتبط به جرایم تعذیب جنسیتی در مطابقت با احکام اساسنامه.
- وضاحت دادن و رهنمایی لازم برای کارکنان در مورد چگونگی تفسیر و تطبیق اساسنامه، عناصر جرایم ("عناصر")، و قواعد طرزالعمل ها و مدارک ("قواعد") در تمام مراحل کاری، تا از تحقیقات و پیگرد موثر قضایای تعذیب جنسیتی از مرحله بررسی اولیه گرفته تا مراحل صدور حکم، استیناف طلبی و پرداخت غرامت (جبان خساره)، اطمینان حاصل شود.
- فراهم ساختن زمینه برای نهادینه ساختن فرهنگ عملکرد بهتر در پیوند با تحقیق، تحلیل و پیگرد قضایای تعذیب جنسیتی، هم به سطح دفتر و هم فراتر از آن.
- تسهیل بخشیدن پروسه جاری انکشاف طرزالعمل عدلی و قضایی بینالمللی پیامون تعذیب جنسیتی از طریق تطبیق موثر این پالیسی.
- بلند بردن سطح آگاهی در مورد اهمیت رسیدگی به قضایای تعذیب جنسیتی، به شمول حمایت از پروسه های ملی.

17. حسابدهی در برابر تعذیب جنسیتی و جلوگیری از این پدیده، مستلزم اقدامات و تعهد مشترک تمام بازیگران ذیربیط می باشد. حين تصویب این پالیسی، دادستان تعهد می نماید که در راستای تحقق آن از هیچگونه تلاش درین خواهد ورزید.

18. سند هذا، پالیسی دفتر مذکور را در قبال تعذیب جنسیتی مشخص می سازد، که در واقع بر مبنای اساسنامه، عناصر، قواعد و مقررات محکمه، مقررات دفتر و ستایشی های عدلی و قضایی دفتر استوار می باشد. سند مذکور با سایر استناد پالیسی دفتر و دستورالعمل های تحلیل جنسیت همخوانی داشته و مطابق آن عمل می نماید. در صورت لزوم، بر مبنای معاہدات مرعی الاجرا و اصول و قواعد حقوق بینالملل در تباعی با ماده 21 (1) (b) - (c) و (3) اساسنامه استوار می باشد. سند مذکور از تجارب، عملکرد های موفقانه و دروس آموخته شده دفتر و طرزالعمل عدلی و قضایی مربوطه، منجمله محکمه جزای بینالمللی و سایر محکم، الهام می گیرد. پالیسی هذا بالای رویکرد های ستایشیک دفتر مذکور تمکز داشته و قابل بازنگری می باشد. همچنان، باعث ارتقای حقوق قانونی نمی شود.

19. دفتر مذکور پالیسی های خود را به منظور تقویت شفافیت، وضاحت و پیش بینی در روابر جرایم ادعا شده به دست نشر می سپارد. انتشار، پخش و تطبیق این پالیسی می تواند همکاری و همبستگی را در راستای رسیدگی به قضایای تعذیب جنسیتی میان بازیگران مختلف، منجمله دولت ها، نهاد ها و کارشناسان سازمان ملل متحد ("سازمان ملل متعدد")، میکانیزم های عدالت انتقالی، سازمان های بینالمللی، نهاد های جامعه مدنی، اساتید، فعالان و قربانیان/بازماندگان افزایش بخشد. موقعی می رود که پالیسی مذکور باعث تقویت همکاری، افزایش حسابدهی در روابر عملکرد های تعذیب جنسیتی و افزایش اقدامات پیشگیرانه مندرج در اساسنامه از طریق فعالیت های محکمه در پیوند با همچو جرایم، شود.

20. دفتر مذکور بر اهمیت همکاری با شرکای خارجی و کارشناسان عرصه مذکور و جامعه مدنی در راستای رسیدگی به قضایای تعذیب جنسیتی تاکید می ورزد. بر اساس پیشنهاد دادستان، مشاور ویژه رسیدگی به قضایای تعذیب جنسیتی مسووده پالیسی هذا را تهیه نموده است. دفتر مذکور ضروری می دارد که به پالیسی هذا از طریق صدا های جامعه مدنی، جوامع متاثر شده و دیگر بازیگران کلیدی، به ویژه کسانی که از تجارب رسیدگی به آسیب های جنسیت از طریق ورکشاپ ها، نشست ها و یا قربانی همچو جرایم شده اند، اطلاع رسانی صورت گیرد. پالیسی مذکور با در نظر داشت ابتکار دادستان در راستای تقویت مشارکت جامعه مدنی، از طریق یک پروسه مشورتی گسترش یک ساله انکشاف یافته است، که مشاورین ویژه، کارمندان دفتر و بازیگران خارجی مانند نمایندگان دولت ها، کارشناسان سازمان ملل متحد، دفتر امور زنان سازمان ملل متحد، سازمان های بینالمللی، نهاد های جامعه مدنی³¹، جوامع متاثر شده، فعالان، اساتید، دانشمندان و قربانیان/بازماندگان از طریق ورکشاپ ها، نشست ها و جلسات متعدد قبل و بعد از تدوین این پالیسی، نیز در آن شرکت ورزیده اند. تعداد سازمان ها، نهاد ها، دولت ها، کارشناسان سازمان ملل متحد، کارشناسان مستقل، فعالان، دانشمندان و اساتیدی که به نمایندگی از بیش از 100 کشور، در زمینه مطالب ارائه نموده اند، به بیشتر از 500 مرجع می رسد که بازتاب دهنده اهمیت تدوین این پالیسی می باشد.

چهارم. پالیسی عمومی

21. دفتر مذکور به تعذیب جنسیتی به عنوان جنایت علیه بشریت توجه ویژه دارد و تلاش به خرج می دهد تا آنرا در محدوده مکلفیت های خویش بررسی، تحلیل و تعقیب نماید.

22. بر مبنای ماده 7 (g) اساسنامه، "تعذیب جنسیتی" به محرومیت عمدی و شدید از حقوق اساسی اطلاق می شود که به دلیل هویت یک گروه یا اجتماع صورت گرفته و با قوانین بینالمللی مغایرت دارد. بر مبنای ماده 7 (h)، ظلم و استبداد مبنی بر جنسیت باید در پیوند با هرگونه عملکردی که به بند اول ماده 7 پیوند دارد و یا هرگونه جرمی که ایجاب رسیدگی عدلی و قضایی را می کند، نسل کشی، سایر جنایات علیه بشریت، جرایم جنگی و جرایم تجاوز، صورت گرفته شده باشد.

23. اعمال نهفته و یا جرایم تعذیب جنسیتی می تواند شامل انواع مختلف خشونت جنسی یا هرگونه خشونت جسمی و یا تماس فزیکی باشد، اما همیشه مشهود نمی باشد. همچنان، این اقدامات می توانند شامل سوء استفاده روانی نیز باشند.³² همچنان می توانند به اشکالی اتفاق افتد که به افراد آسیب فزیکی نرسانند ولی در برگیرنده اعمالی باشند که باعث تخریب فرهنگی گردیده و یا منجر به غصب یا حمله بر مکاتب و شفاخانه ها شود.³³

24. تعذیب جنسیتی، برخلاف قوانین بین الملل، فرد یا گروهی از افراد را از حق اساسی مبرا بودن از تبعیض که به نحوی با سایر محرومیت های حقوق اساسی ریط دارد، شدیداً محروم می سازد. به عنوان مثال، می تواند یک فرد را از حقوق ذیل محروم سازد: حق زندگی کردن، حق مبرا بودن از شکنجه و سایر رفتار و مجازات غیرانسانی و تحقیرآمیز، حق مبرا بودن از بردگی و یا تجارت بردگی، غلامی و اعمال قانون جزا معطوف به گذشته، حق آزادی تشکل اجتماعات، آزادی عقیدتی، آزادی بیان، آزادی حرکی و آزادی مذهبی، منجمله حق رهایی از دین، حقوق برابری، کرامت انسانی، صلاحیت تمامیت بدنی، خانواده، محترمیت، مصوّنیت، تعلیم، اشتغال، مالکیت، مشارکت سیاسی و فرهنگی، دسترسی به عدالت و مراقبت های صحی. نقض حقوق بشر می تواند در بر گیرنده محرومیت شدید از حقوق اساسی باشد، البته یا به ذات خود و یا هم در صورتیکه به شکل مجموعی مدنظر گرفته شود. محرومیت از حقوق اساسی می تواند به منظور خشونت یا تخریب صورت گیرد و یا هم از طریق تحمیل مقرراتی رخ دهد که می تواند ابعاد مختلف زندگی افراد را متاثر سازد. به عنوان مثال، اینها می توانند شامل اختیارات باروری و خانوادگی آنها باشد، با کی ازدواج کند، به مکتب بروند، در کجا کار کنند، چگونه لباس بپوشند و یا خیلی ساده اینکه آیا آنها اجازه موجودیت دارند یا خیر.

31 دادستان محکمه حزایی بین المللی کریم، A. خان، QC ابتکار جدیدی را برای تقویت تعامل با جامعه مدنی اعلام نمود ([ICC Prosecutor Karim](#)) .

32 دادستان در برابر کوچک، (IT-98-30/1-A)، فیصله استیناف، پاراگراف 325 (دریافت اینکه اعمال آزار و اذیت، تحقیر و سوء استفاده روانی علیه مسلمانان بوسنیاپی، از دلایل ارتکاب عملکرد های ظلم و استبداد، به عنوان جنایت علیه بشیریت می باشد).

33 لطفاً به سند پالیسی در مورد جرایم جنسی و مبتنی بر جنسیت: پالیسی در مورد میراث فرهنگی ([Policy Paper on Sexual and Gender-Based Crimes](#); [Policy on Cultural Heritage](#)), مراجعه نمایید.

25. ممکن مرتكبین از تعذیب جنسیتی به این خاطر استفاده کنند که ساختارها و معیارات اجتماعی را از طریق مقررات تبعیض آمیز تحملی شده و نقض کننده حقوق اساسی، تقویت بخشنده. به عنوان مثال، در ایدیولوژی داعش دیده می شود که "بر مبنای تبعیض سیستماتیک علیه افراد به اساس جنسیت و بیان جنسیت استوار بوده و شامل شکنجه و کشتن افرادی می باشد که با درک آنها در مورد نقش های جندر همخوانی ندارند".³⁴

26. با توجه به این که طیف وسیع محرومیت های شدید از حقوق اساسی می تواند به تعذیب جنسیتی بانجامد، دفتر مذکور نمونه عملکرد های تعذیبی را هم به عنوان جنایات افرادی و هم به عنوان تاثیرات جمعی آنها بالای روند تحقیق در مورد تعذیب جنسیتی تحلیل خواهد نمود.

27. دفتر مذکور درک می نماید که نقض حقوق بشر که در حقیقت بر مبنای قوانین بین الملل ممنوع بوده، از لحاظ فرهنگی تعیین کننده نمی باشد. نقض حقوق اساسی را نمی توان نادیده گرفت، به حاشیه راند و یا آنرا به اساس فرهنگ توجیه نمود.³⁵

28. شماری از انواع میراث فرهنگی و یا ابعاد آن می تواند به طور خاص مورد هدف قرار گیرند، زیرا می تواند از لحاظ جنسیت نزد اعضای یک گروه مورد هدف از ارزش ویژه برخوردار باشد.³⁶ به عنوان مثال، تخریب یک مقبره که یک محل مهم برای تجمع زنان پنداشته می شود، یا به آتش کشیدن یک مرکز آرشیف که برای افراد LGBTQI+ حائز اهمیت است³⁷، می تواند یک عملکرد تعذیب جنسیتی و یا فرهنگی باشد. بر مبنای ماده 54 (1) (b) اساسنامه و طوری که در پالیسی های جرایم جنسی و مبتغی بر جنسن و میراث فرهنگی بازتاب یافته است، دفتر مذکور یک رویکرد جامع را به منظور بررسی تعذیب جنسیتی در ارتباط با فرهنگ و سایر زمینه های ظلم و استبداد روی دست خواهد گرفت.³⁸

34 شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، گزارش گزارشگر ویژه در مورد قتل های فرقانوی و خودسرانه، خلاصه یا فشرده در مورد رویکرد مبتغی بر جنسیت به قتل های خودسرانه، (A/HRC/35/23)، (6 جون 2017)، پاراگراف 47.

35 پالیسی در مورد میراث فرهنگی 8 (Policy on Cultural Heritage, fn.) به نقل از گزارش گزارشگر ویژه در امور حقوق فرهنگی، مؤخر 3 فبروری 2016، سند سازمان ملل متحد (A/HRC/31/59) پاراگراف 27: "عاری از مفاد نخواهد بود اگر به خاطر بیاوریم که حقوق فرهنگی به چه چیز اطلاق می شود و به چه جیز اطلاق نمی شود. این حقوق معادل ارتباطات فرهنگی نمی باشد. حقوق مذکور بهانه ای برای نقض سایر حقوق بشر بوده نمی تواند. این حقوق هرگز توجیه کننده تبعیض و خشونت نیست. حقوق مذکور جوازی برای تحمیل هویت و یا عملکرد ها بالای دیگران نبوده و یا حذف آنها از این دو مورد در مغایرت با قوانین بین المللی پنداشته نمی شود. آنها به صورت کامل در چهارچوب جهانی حقوق بشر مدنظر گرفته شده اند." طبقاً به پاراگراف 25 مراجعة نمایید: "دفتر مذکور به با هرگونه غنامندی و تنوع فرهنگی ارج گذاشته و در برابر آن حساس می باشد، مشروط بر اینکه همچو عملکرد های فرهنگی (با) اساسنامه ها و قوانین بین المللی و نورم ها و ستندرد های شناخته شده بین المللی مغایرت نداشته باشند". همچنان به این بخش نیز مراجعة نمایید: کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد اعلام نموده است که باید کشور های عضو میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی اطیبان حاصل نمایند که از حق نگرش های سنتی، تاریخی، مذهبی یا فرهنگی به منظور توجیه سریعی از حق برابری در برابر قانون و بهره بردن از تمام حقوق تسجیل شده در ماده 5 (2) و 26 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)، (International Covenant for Civil and Political Rights)، استفاده صورت نمی گیرد. اعلامیه منع خشونت علیه زنان (The Declaration on the Elimination of Violence Against Women) در رابطه با منع [خشونت علیه زنان] به هیچگونه عنعنات، سنت ها و ملاحظات مذهبی استناد نمایند".

36 پالیسی در مورد میراث فرهنگی (Policy on Cultural Heritage)، پاراگراف 29 (توجه به همچو تحلیل نیز با کتوانسیون سازمان ملل متحد پیرامون منع تمام انواع تبعیض علیه زنان (CEDAW) مطابقت دارد).

37، به عنوان مثال، کلودیا شوبن، "وضعیت زنان همجنسگرایان ذکور و انان در آلمان بین سال های 1933 – 1945" (Gunter Grau ed., 1995)، صفحه 9، هایکی باائز، "موضوعات سوزاننده جنسی: کتاب ها، همجنسگرای هراسی و تخریب نازی ها در انسٹیتوت علوم جنسی در برلین" در، "تخریب کتاب از قرون وسطا تا قرن معاصر"، (Basingstoke: Palgrave Macmillan, 2014)، صفحات 33-37. طبقاً به ویلیام جی پائینه، جو خده های مرگ که دگرباشان را به عنوان شهر وندان می پندارند: آنچه شبه نظامیان کولمبیایی می گویند، جنسیت، مکان و فرهنگ، (سال 2016)، صفحه 338 (بحث پیرامون یک بازیگر مسلح که در مورد به آتش کشیدن تأسیسات همجنسگرایان در کولمبیا دادخواهی می نماید)، مراجعة نمایید.

29. دفتر مذکور در فعالیت های خویش برای ارتقای مهارت های کارمندان در تطبیق یک رویکرد جنسیت و کودک محور گام های جدی خواهد بردشت، با درگ اینکه قربانیان تعییض جنسیتی معمولاً در برابر تعذیب جنسیتی بیشتر آسیب پذیر اند. همچنان، دفتر یک رویکرد در هم تنیده (انترسیکشنال) را در بررسی تعییض در پیش خواهد گرفت تا بتواند رابطه تنگاتنگ بین جنسیت، سن و سایر ابعاد هویت یا ویژگی های یک فرد (مانند نژاد، قومیت یا مبانی اجتماعی، وضعیت بومی، زبان، مذهب و عقاید، مفکور های سیاسی و غیره، ملیت، فرهنگ، ثروت، تولد، صحت یا هرگونه وضعیت دیگر، معلولیت، عدم تابعیت، وضعیت پناهندگی یا مهاجرت و غیره³⁹) را به گونه کامل منعکس سازد، که می تواند آسیب پذیری آنها را در برابر تعذیب جنسیتی و یا سایر جرایم افزایش بخشد و در پلانگذاری فعالیت های عملیاتی دفتر مذکور ممد واقع شود.

30. هرگاه امکان پذیر باشد، دفتر با در نظر داشت صلاحیت های کاری خویش تلاش های متممه دولت ها و سایر دست اندراکاران را در راستای متوقف ساختن، جلوگیری و مجازات مرتكبین قضایای تعذیب جنسیتی، ترغیب خواهد نمود، البته از طریق تشویق نمودن روند تطبیق آن در داخل کشور، به شمول مدنظر گرفتن میکانیزم های حسابده ویژه داخلی در پیوند با جرایم مبتغی بر جنسیت در ارزیابی های متممه شان. مشارکت در فعالیت های آگاهی دهی و در میان گذاشتن تجارب موفق، به منظور حمایت و آموختن از ستراتیزی های تحقیقاتی و عدلی و قضایی داخلی. همچنان در صورت نیاز، دفتر تلاش به خرج خواهد داد تا مراجع ملی و سایر دست اندراکاران ذیربیط را در راستای بررسی و پیگرد عدلی و قضایی همچو جرایم یاری رساند.

پنجم. چهارچوب قانونی

31. مدنظر گرفتن تعذیب جنسیتی در فعالیت های دفتر با در نظر داشت چهارچوب قانونی تجویز شده، یعنی اساسنامه (کمک نمودن در تفسیر و تطبیق آن، طوری که در عناصر مربوطه ارائه شده است)⁴⁰ و قواعد مربوطه.

32. ماده 21 (3) اساسنامه، به صورت مشخص ارتباط می گیرد به فعالیت های دفتر در قبال جرایم مبتغی بر جنسیت. این ماده تمجیل می دارد که هم تطبیق و هم تفسیر اساسنامه باید با قوانین به رسمیت شناخته شده بین المللی حقوق بشر همخوانی داشته و عاری از هرگونه تفاوت نامطلوب مبتغی بر جنسیت که در ماده 7 (3) ارائه شده است، باشد. بناءً هرگاه مناسب باشد، محکمه می تواند مطابق ماده 21 (1) (b) - (c) و (3) بالای معاہدات مرعی الاجرا و اصول و قواعد حقوق بین الملل، استناد نماید.

33. بناءً، دفتر مذکور مکلف خواهد بود تا:

- به منظور رسیدگی موثر به قضایای تعذیب جنسیتی در تمام مراحل کاری خویش، از مفاد چهارچوب قانونی به صورت کامل استفاده نماید.
- در روشنایی قوانین به رسمیت شناخته شده بین الملل حقوق بشر و سایر منابع قانونی مرعی الاجرا مندرج در ماده 21 اساسنامه، به شمول منابع مرتبط به تعذیب جنسیتی، تعییض و برابری، جنسیت و حقوق اساسی، اساسنامه را تطبیق و تفسیر نماید.

38 سند بالیسی در مورد جرایم جنسی و مبتغی بر جنسیت ([Policy Paper on Sexual and Gender-Based Crimes](#))، پاراگراف 20؛ بالیسی در مورد میراث فرهنگی ([Policy on Cultural Heritage](#))، پاراگراف های 3 و 16.
39، به عنوان مثال، لطفاً به گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در کمیسیون حقوق بین الملل، پاسخ: تبصره ها در مورد زمینه های ظلم و استبداد در مسوده [UN Special Rapporteur to the International Law Commission, Re: Comments Regarding the Persecutory Grounds in the Draft Crimes Against Humanity Convention](#) کنوانسیون جنایات علیه بشیرت (Statute) (November 2018)، 30 نوامبر 2018، مراججه نمایید.
40 ماده 9 اساسنامه

- تعذیب جنسیتی را در تحلیل های داخلی اوضاع و قضایا به منظور بررسی های اولیه و تحقیقات بگنجاند و حین تحلیل قضایای محرومیت شدید از حقوق اساسی، پیامدهای ناگوار جمعی تمام عملکرد های تعذیب جنسیتی و نقض حقوق بشر مرتبط با آنها را مدنظر داشته باشد.
- در صورت لزوم، یک رویکرد درهم تنیده را در روند رسیدگی به قضایای تعذیب جنسیتی، تعذیب سیاسی، نژادی، ملیتی، قومی، فرهنگی، مذهبی و سایر موارد که در قوانین بین الملل غیرمجاز پنداشته می شوند⁴¹، با در نظر داشت ستراتیژی های متهم ساختن تطبیق نماید و مرتکبین را در قبال انواع مختلف و مرتبط تعذیب مندرج در اساسنامه، مسؤول بداند.
- تلاش نماید تا به هرگونه تفاوت نامطلوب مبتنی بر جنسیت، که امکان دارد در نتیجه کار محکمه بروز نماید، رسیدگی لازم نماید.⁴²

34. ماده 7 (1) (h) عناصر، محکمه را کمک می نماید تا این ماده اساسنامه را به گونه درست تفسیر و تطبیق نماید⁴³. ماده مذکور عناصر ششگانه تعذیب جنسیتی را به عنوان جنایت علیه بشریت توصیف می نماید:

عنصر اول: شخص مرتکب در مغایرت با قوانین بین الملل⁴⁴، یک یا چند تن افراد را از حقوق اساسی شان شدیداً محروم ساخته است.

عنصر دوم: شخص مرتکب یک یا چند تن افراد را به دلیل هویت گروه یا اجتماع مورد هدف قرارداده است یا خود گروه و اجتماع را مورد هدف قرارداده است.

عنصر سوم: اینگونه هدف‌گیری ها بر مبنای تعلقات سیاسی، نژادی، ملیتی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسیتی بوده که در بند سوم ماده 7 اساسنامه ارائه شده است، و یا بر مبنای دلایل دیگری که در قوانین بین المللی غیرمجاز پنداشته می شوند

عنصر چهارم: اینگونه سوء رفتار در پیوند با هر عملکردی که در بند اول ماده 7 اساسنامه و یا هر جرم دیگری که در صلاحیت محکمه است، صورت گرفته است.⁴⁵

عنصر پنجم: اینگونه سوء رفتار به عنوان بخشی از یک حمله گسترده و یا سیستماتیک علیه افراد ملکی، صورت گرفته است.

عنصر ششم: شخص مرتکب می دانست که اینگونه سوء رفتار به عنوان بخشی از یک حمله گسترده و یا سیستماتیک علیه افراد ملکی بوده و یا قصد انجام آن را داشته است.

35. عناصر در واقع ستندرد های مجزا از اساسنامه نیستند. بر مبنای ماده 9، عناصر مذکوره محکمه را در راستای تفسیر و تطبیق درست جرایم مطابق اساسنامه کمک خواهد نمود. به هر یک از این عناصر، طوری که در بررسی تعذیب جنسیتی باید مدنظر گرفته شوند برداخته خواهد شد.

41 دفتر مذکور به این باور است که با توجه به ماده 21 (3)، عملکرد های که اطفال را بر مبنای سن یا تولد مورد هدف قرار می دهند، می تواند "به دلایل دیگر" به عنوان ظلم و استبداد پنداشته شوند. همچنان دفتر مذکور درک می نماید که اطفال می توانند به دلایل مرتبط مانند قومیت، مذهب و جنسیت مورد ظلم و استبداد قرار گیرند. پالیسی در مورد اطفال ([Policy on Children](#))، پاراگراف 51.

42 ماده های 21 (3) و 68 (1) اساسنامه ([Statute](#)).⁴³

44 این معیار در تصادم با پاراگراف 6 مقدمه عمومی در مورد عناصر جرایم ([Elements of Crimes](#)) قرار ندارد.

45 برای این عنصر به هیچگونه عنصر روانی اضافی ضرورت نیست، البته به استثنای عنصر ذاتی ششم.

عنصر اول: شخص مرتکب در مغایرت با قوانین بین‌المللی، یک یا چند تن افراد را از حقوق اساسی شان شدیداً محروم ساخته است.

36. بر مبنای ماده 7 (g) اساسنامه، "تعذیب جنسیتی" به محرومیت عمدی و شدید از حقوق اساسی اطلاق می‌شود که به دلیل هویت یک گروه یا اجتماع صورت گرفته و با قوانین بین‌المللی مغایرت دارد.

37. بر مبنای ماده 21 (1) (b) اساسنامه، دفتر مذکور در جریان ارزیابی محرومیت از حقوق اساسی، به منابع مختلف متousel خواهد شد، مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتار و مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، کنوانسیون منع تمام انوع تبعیض علیه زنان، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون بین‌المللی منع تبعیض نژادی، کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت، منشور افريقيای حقوق بشر و مردم، کنوانسیون امریکایی حقوق بشر و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر⁴⁶ و بالاخره سایر حقوق مرتبط به قوانین سنتی بین‌الملل.⁴⁷

38. دفتر درک می‌کند که محکمه و سایر محاکم مجموعه غنی طرز العمل های قضایی را ارائه نموده اند که بازتاب دهنده طیف وسیعی عملکرد ها و عدم عملکرد هایی می‌باشد که، به شکل انفرادی یا جمعی، منجر به محرومیت شدید از حقوق اساسی شده اند. با درک اینکه یک تعریف ثابت حقوق اساسی به نفع عدالت نخواهد بود، محاکم مذکور طیف وسیع حقوق اساسی را به رسمیت شناخته اند.⁴⁸

39. قدمه عنصر اول تعذیب جنسیتی همیشه زمانی صدق می‌کند که جرم یا جرایم تحت صلاحیت اساسنامه با نیت تبعیض آمیز صورت گرفته باشد.⁴⁹ زیرا تمام جرایم مطابق این اساسنامه، در واقع نقض صریح حقوق اساسی بوده و تمام قضایای تعذیب جنسیق، حق اساسی مبرا بودن از تبعیض را نقض می‌کند. در مجموع، نقض حق اساسی مبرا بودن از تبعیض در پیوند با هر جرم مرتبط که توسط اساسنامه منع قرار داده شده است، همیشه به مثابه محرومیت شدید از حقوق اساسی پنداشته می‌شود. با آنهم، در ارزیابی شدت، باید همیشه تاثیر کی محرومیت از حقوق اساسی بر مبنای دلایل تبعیض آمیز مدنظر گرفته شود.

46 همچنان به کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی نیز مسمی می‌باشد.

47 این یک فهرست جامع نمی‌باشد، لطفاً به پاراگراف 24 در فوق مراجعه نمایید. همچنان لطفاً به فیصله ماده 15 بوروندی ([X-17/01](#)) 331 نیز مراجعه نمایید.

48 دفتر رسیدگی به امور قبل از محاکمه در قضیه‌های نقض طیف وسیع حقوق اساسی را تأیید نموده است، به دنبال استدلال دادستان: "مردم تیمبکتو از نقض حقوق اساسی شان رنج برداشتند، مانند حقوق آزادی مذهبی، آزادی بیان، آزادی فکری، آزادی حرکی، برایری، آموزش، محرومیت، حیثیت و وقار شخصی، احساس صوتی و مالکیت". دادستان در برابر الحسن، فیصله دفتر رسیدگی به امور قبل از محاکمه در مورد درخواست دادستان برای صدور یک حکم بازداشت ([ICC-01/12-01/18](#)), پاراگراف 88، همچنان لطفاً به فیصله ماده 15 بوروندی ([X-17/01](#)) (ICC-01/12-01/18) فیصله محاکمه دوم، پاراگراف 433، دادستان در برابر کوچک، فیصله پاراگراف 132 نیز مراجعه نمایید، دادستان در برابر ([Krnojelac](#)) ([IT-97-25-T](#)) فیصله محاکمه citing U.S. v. Ernst von Weizsäcker (186) ([IT-98-30/1-T](#)), پاراگراف 471، دادستان در برابر بلاشکیچ، فیصله محاکمه ([IT-95-14-T](#)) ([IT-94-1-T](#)) پاراگراف 710. محکمه نورمیرگ دریافت نمود که عملکرد های چون محروم ساختن از حق تعلیم یا فرصت های شغلی، یا انتخاب همسر، در واقع اشکالی از ظلم و استبداد مذهبی می‌باشند. دادستان در برابر تادیج، فیصله محکمه ([IT-94-1-T](#)) پاراگراف 710.

49 در حالات نادر، می‌تواند یک عدد استثنایاً وجود داشته باشند، مثلاً در یک عملکرد تاراج.

40. مأموریت محکمه برای "پایان دادن به فرهنگ معافیت از مجازات"، از دفتر مذکور مطالبه می نماید که تاثیرات مجموعی تمام عملکرد های تعذیب جنسیتی را مدنظر داشته باشد⁵⁰. خاصتاً مطابق ماده 17 (1) (d) اساسنامه، شناسایی تاثیرات مجموعی همچو عملکرد ها می تواند به روند ارزیابی شدت یک قضیه توسط دفتر مذکور اطلاع رسانی نماید و افرون بر آن می تواند از طریق توصیف دقیق اهمیت و میزان بدرفتاری آنها به نفع قربانیان و جوامع متاثر شده تمام شود.

عنصر دوم؛ شخص مرتكب یک یا چند تن افراد را به دلیل هویت گروه یا اجتماع مورد هدف قرار داده است یا خود گروه و اجتماع را مورد هدف قرار داده است.

41. ماده 7 (1) (h) اساسنامه، تعذیب علیه هر گروه یا اجتماع دارای هویت را به دلایل ممنوعه جرم می پنداشد. بر مبنای ماده 7 (2) (g) اساسنامه، تعذیب به محرومیت عمدی و شدید از حقوق اساسی اطلاق می شود که "به دلیل هویت یک گروه یا اجتماع" صورت گرفته و با قوانین بین المللی مغایرت دارد. در مجموع، عناصر مذکور افراد را به دلیل هویت گروه یا اجتماع مورد هدف قرار داده، یا خود گروه و اجتماع را مورد هدف قرار داده است. بناءً، مطابق ماده 7 (1) (h)، شخص مرتكب باید (1) یک یا چند تن افراد را به خاطر تعلق شان به یک گروه یا اجتماع مورد هدف قرار دهد و یا (2) خود گروه یا اجتماع را مورد هدف قرار دهد⁵¹.

42. مثل سایر اشکل تعذیب، افراد می توانند به خاطر ویژگی های جنسیت و/یا به خاطر ساختارها و معیارات اجتماعی که برای توصیف نقش ها، رفتارها، فعالیت ها و موصفات جنسیت به کار برده می شوند⁵²، مورد هدف قرار گیرند. به عنوان مثال، زمانی که تصور شود افراد از ویژگی (جنسیتی) برخوردار اند که شخص مرتكب آنرا ممنوعه می پنداشد، در آن صورت امکان دارد مورد تعذیب جنسیتی قرار گیرند و یا بر عکس از ویژگی (جنسیتی) که مرتكب آن را ضروری بداند برخوردار نباشند⁵³.

43 عنصر مذکور این را واضح می سازد که "گروه مورد هدف" باید به صورت کلی مورد متوجه قرار گیرد. توقع نمی رود که تمام افراد مورد هدف مستقیماً بخشی از گروه مورد هدف باشند⁵⁴. همین که آنها هواخواهان اعضای مورد هدف باشد و یا با آنان بستگی داشته باشند، کافی است⁵⁵. به عنوان مثال، هرگاه شخص مرتكب، یکی از مکاتب را به منظور جلوگیری از رفتان دختران به مکتب مورد هدف قرار دهد، آنعدد مردانی که در مکتب مذکور به حیث معلمان و کارکنان ایفا وظیفه می کنند، می توانند بخشی از گروه مورد هدف باشند، در حالیکه اساس حمله را جنسیت تشکیل می دهد.

50 اساسنامه ([Statute](#))، مقدمه.
51 دفتر رسیدگی به امور قبل از محکمه در قضیه الحسن خاطر نشان نمود که به عنوان مثال عملکرد های تعذیب جنسیتی می تواند در برابر گیرنده تحمل تحریمات غیرمتناسب علیه زنان و یا تحمیل تحریماتی باشد که خشونت مبنی بر جنسیت را احتوای نماید. تأیید اتهامات الحسن ([Al Hassan Confirmation of Charges](#))، پاراگراف های 177 و 697. به عنوان مثال، از تجاوز جنسی به عنوان یک تحریم مبنی بر جنسیت علیه آنعدد زنانی که در توییگاه به سر می برند، استفاده به عمل می آید و آنها به ازدواج مجبور می شون، پاراگراف های 699-700.

52 سند پالیسی در مورد جرایم جنسی و مبنی بر جنسیت ([Policy Paper on Sexual and Gender-Based Crimes](#))، پاراگراف 3، سازمان صحي جهان جنس و جسيت ([Sex and Gender](#)).

53 دادستان در برابر آنگوین، فیصله محکمه نهم ([ICC-02/04-01/15](#))، پاراگراف های ("فیصله محکمه آنگوین").
54 دفتر رسیدگی به امور قبل از محکمه ([Ntaganda](#))، هنگام شناختن تعذیب به عنوان جنایت علیه بشیریت، به این باور بود که جنایات علیه جمعیت ملکی غیرهما (non-Hema) بر مبنای دلایل قوی صورت گرفته اند. دادستان در برابر [Ntaganda](#)، فیصله محکمه دوم مطابق ماده 61 (7) (a) و (b)، ([ICC-01/04-02/06-309](#)) پاراگراف 58. همچنان ICTY این اجازه را نیز داده است که گروهی که مورد ظلم و استبداد قرار گرفته است باید به خاطر جنایات ضد بشیریت به صورت منفی تعریف شود و در بسیاری از قضایا در برابر "غیر صرب ها" اجازه پیگرد داده شود. به عنوان مثال، دادستان در برابر تادیج ([IT-97-24-A](#)) فیصله محکمه، پاراگراف 26. در مقابل، لطفاً به پاراگراف فرعی (2) مرتبط به عناصر جرایم ([Elements of Crimes](#)) ماده 6 - نسل کشی: "فرد یا افراد مذکور به یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی مشخص متعلق بودند"، مراجعه نمایید.

55 محکمه ([Naletilić](#)) و ([Martinović](#)) اعلام نمود که "گروه مورد هدف صرف شامل افرادی نمی باشد که شخصاً فاقد معیارات (منهی، نژادی یا سیاسی) گروه باشد. گروه مورد هدف باید به گونه جامع تفسیر شود، به ویژه، می تواند شامل افرادی باشد که به دلیل وابستگی نژدیک یا همددی با گروه قربانی توسط شخص مرتكب به عنوان متعلق به گروه قربانی تعریف شده اند". دادستان در برابر [Naletilić](#) و [Martinović](#) ([IT-98-34-T](#))، فیصله محکمه، پاراگراف 636. "این خود شخص مرتكب است که گروه قربانی را تعریف می نماید، در حالیکه قربانیان مورد هدف در تعریف وضعیت خوبیش نقشی ندارد."

44. همچنان، کافی است که شخص مرتکب یک فرد را به عنوان عضو یا وابسته به گروه مورد هدف تصور نماید.⁵⁶ به عنوان مثال، هرگاه مرتکب فردی را به دلیل اینکه او را یک شخص همجنسگرا تصور می کند، مورد هدف قرار دهد، در آن صورت مهم نیست که خود فرد همجنسگرا باشد یا خیر.⁵⁷ اینکه شخص مرتکب اشتباهًا فرد مذکور را متعلق به گروه مورد هدف تصور نموده است، نمی تواند رفتار تبعیض آمیز وی را که در این عمل نهفته است پوشاند.⁵⁸

45. همانند سایر اشکال تعذیب، هر فرد می توانند مورد تعذیب جنسیتی قرار گیرد زیرا همه از هویت جنسیتی برخوردار اند، دقیقاً همانگونه که تمام افراد دارای هویت نژادی و قومی می باشند. گروه های مورد هدف می توانند شامل زنان، دختران، مردان، پسران و افراد LGBTQI+ باشند. معیارات جنسیت که به گروه های مرتبط با هدف گیری تبعیض آمیز تعلق دارند، شامل نقش ها، رفتار، فعالیت ها و مواصفات می باشد. مثلا، زنان و مردان می توانند به خاطر طرز لباس پوشیدن⁵⁹ و یا به خاطر اینکه همجنسگرا تلقی می شوند یا رفتار همجنسگرایانه دارند⁶⁰ مورد هدف قرار گیرند. همچنان، معیارات تبعیض آمیز می توانند شامل ویژگی های فیزیولوژیک و یا مشخصاتی باشد که به مردان و زنان نسبت داده می شوند. به عنوان مثال، ممکن یک شخص مرتکب، زنان و دختران را به خاطر توانایی شان برای حاملگی مورد هدف قرار دهد.⁶¹ یا مثلاً مردان و پسرانی که نمی توانند ریش بگذارند، مورد هدف قرار گیرند.⁶² افراد بینجنس، ترانسجender و غیر باینری، ممکن به خاطر اینکه شخص مرتکب تصور می کند که آنها به گروه های "مرد" یا "زن" تعلق ندارند، مورد هدف قرار گیرند.⁶³

عنصر سوم؛ اینگونه هدف گیری ها بر مبنای جنسیت بوده که در بند سوم ماده 7 اساسنامه ارائه شده است.

56 دادستان در برابر Naletilić، [\(IT-98-34-T\)](#)، فیصله محکمه، پاراگراف 636: "این خود شخص مرتکب است که گروه قربانی را تعریف می نماید، در حالیکه قربانیان مورد هدف در تعریف وضعیت خویش نقشی ندارد." همچنان لطفاً به دادستان در برابر Krnojelac، [\(IT-97-25-A\)](#)، محکمه استیناف، پاراگراف 185، دادستان در برابر تادیج، [\(IT-94-1-T\)](#)، فیصله محکمه، پاراگراف های 652 و 714، دادستان در برابر Blaškić، [\(IT-95-14-T\)](#)، فیصله محکمه، پاراگراف 236، دادستان در برابر Krstić، [\(IT-98-33-T\)](#)، فیصله محکمه، پاراگراف 557، نیز مراجعه نمایید.

57 فیصله محکمه Ntaganda Trial Judgement، [\(Ntaganda Trial Judgement\)](#)، پاراگراف های 1011-1010. هرگاه یک شخص مرتکب فردی را مورد هدف قرار دهد که وی آنرا یک مرد همجنسگرا تصور می کند، و شخص مذکور نیز شخصاً به عنوان همجنسگرا شناخته شود، این امر می تواند ارائه کنند شواهدی مبتنی دفر قرار دادن مردان همجنسگرا توسط شخص مرتکب باشد. اما، همچو تداخل لازم نمی باشد.

58 دادستان در برابر [\(IT-05-87/1-A\)](#)، فیصله محکمه استیناف، پاراگراف 203 (به نقل از دادستان در برابر Krnojelac)، [\(IT-97-25-A\)](#) فیصله محکمه استیناف، پاراگراف 185.

59 دفتر رسیدگی به امور قبل از محکمه الحسن خاطر نشان نموده است که قربانیان عمدها با استفاده از پالیسی های که ابعاد زندگی يومیه قربانیان را کنترول می نماید، مورد هدف تعذیب جنسیتی و مذهبی قرار می کرند. اینها شامل کنترول طرز لباس پوشیدن آنان، پالیسی های مسلط بر تعامل میان مردان و زنان و پالیسی های اعمال کننده مجازات سنگین برای متخلفین می باشند. اتهامات تایید الحسن [\(Al Hassan Confirmation Charges\)](#)، پاراگراف های 177، 689 و 690.

60 همچنان لطفاً به گزارش دفتر کمیشنری عالی حقوق بشر در عراق در پیوند با تخلفاتی که توسط به اصطلاح دولت اسلامی در عراق و شام (داعش) و گروه های وابسته به آن صورت گرفته اند [\(A/HRC/28/18\)](#)، پاراگراف 49، گزارش هیئت مستقل حقیقت یاب در لبیا [\(A/HRC/48/83\)](#)، 29 نوامبر 2021، پاراگراف 52 (با توجه به استفاده از خشونت به طور خاص علیه زنان و مردانی که به عنوان همجنسگرایان و افراد شامل در کنگوی (+LGBTQI+) (LGBTQI+) شناخته می شوند)، گزارش کمیسیون مستقل تحقیقات بین المللی در مورد جمهوری عربی سوریه [\(A/HRC/46/54\)](#)، 21 جنوری 2021، پاراگراف 52، وضعیت حقوق بشر در یمن، به شمول تحطی ها و سوء استفاده، از ماه سپتامبر 2014 بدینسو [\(A/HRC/45/CRP.7\)](#)، 29 سپتامبر 2020، پاراگراف 2018، نیز مراجعه نمایید.

61 لطفاً به گزارش دفتر کمیشنری عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد (OHCHR) در مورد وضعیت حقوق بشر در عراق در پیوند با تخلفاتی که توسط به اصطلاح دولت اسلامی در عراق و شام (داعش) و گروه های وابسته به آن صورت گرفته اند [\(A/HRC/28/18\)](#)، 27 مارچ 2015، پاراگراف 41، مراجعه نمایید. مردان و پسران دو جنسه نیز می توانند به دلیل توانایی قابل تصور آنان برای حاملکی مورد هدف قرار گیرند.

62 گزارش در مورد حمایت از افراد ملکی در خشونت های مسلحانه در عراق بین اول می الی 31 اکتوبر 2015 [\(Report on the Protection of Civilians\)](#)، [\(in the Armed Conflict in Iraq: 1 May – 31 October 2015\)](#)، 5 جنوری 2016، صفحه 19.

63 لطفاً به گزارش گزارشگر ویژه در مورد قتل های فرآنانوی و خودسرانه، خلاصه یا فسخده در مورد رویکرد مبتنی بر جنسیت به قتل های خودسرانه، [\(A/HRC/35/23\)](#)، 6 جون 2017)، مراجعه نمایید

46. عناصر ذهنی تعذیب جنسیتی قرار ذیل اند. شخص مرتکب:

- قصد محروم ساختن شدید از حقوق اساسی را داشته است، و یا می دانست که در جریان عادی رویداد ها رخ خواهد داد.
- برای تبعیض (مورد هدف قرار دادن بر مبنای ویژه‌گی های جنسیت که در اساسنامه ارائه شده است) قصد خاص داشته است.
- می دانست که اینگونه سوء رفتار بخشی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک بوده و یا قصد داشته است که بخشی از حمله باشد.

47. به استثنای حالاتیکه شخص مرتکب مطابق ماده 25 (a) به عنوان مرتکب مستقیم، شریک جرم و/یا مرتکب غیرمستقیم متهم شود، برای به اثبات رسانیدن اینکه شخص مرتکب برای تبعیض قصد خاص داشته است، هیچگونه الزام وجود ندارد. اما، عناصر ذهنی برای سایر روش های مرتبط به مسئولیت پذیری باید به اثبات برسند. کافی است که مرتکبین در همچو قضاپایا قصد خاص برای اعمال تبعیض داشته باشند.

48. اصطلاحات "انگیزه" و "قصد" نباید با همدیگر مغالطه شوند. بدین معنی که انگیزه ارتکاب جرم، با قصد ارتکاب جرم یکی نیست. این که شخص مرتکب به خاطر حرص دست به سرقت پول زده باشد، مهم نیست. سوال در اینجاست که آیا موصوف قصد داشته است که دست به سرقت بزند؟

49. تعذیب جنسیتی، علاوه بر قصد مرتکب شدن، مستلزم قصد تبعیض آمیز نیز می باشد، پس باید به اثبات برسد. انگیزه های شخصی نیز نباید به هیچ عنوان باقصد تبعیض آمیز مغالطه شوند⁶⁴. به عنوان مثال، انگیزه های شخصی تجاوز جنسی می تواند شامل "ارضای جنسی" و یا "فرصت" برای ارتکاب تجاوز جنسی باشد.⁶⁵ چنین انگیزه ها قصد تبعیض آمیز را تحت شعاع قرار نمی دهد. انگیزه شخصی را نباید با قصد شخص مرتکب برای عملکرد مبتغی بر جنسیت مغالطه نمود. قصد تبعیض آمیز زمانی تبارز داده می شود که شخص مرتکب به طور خاص قصد داشته باشد با یک گروه دارای جنسیت مشخص و یا عضوی گروه مذکور، رفتار نابرابر نماید.

50. قصد تبعیض آمیز می تواند در عملکرد نا متناسب تعذیب در برابر یک گروه بر مبنای جنسیت مشهود باشد. یا هم امکان دارد تعذیب در برابر چندین گروه اعمال شود اما مبنای آن بر جنسیت باشد. این مساله مستلزم درک جامع در مورد قصد شخص مرتکب تعذیب می باشد.

51 به عنوان مثال، مرتکبین می توانند زنان و مردان را به طور جداگانه و بنابر دلیل جنسیت از طریق تجاوز جنسی مورد هدف قرار دهند. امکان دارد مرتکبین زنان و دختران را مورد هدف قرار دهند، زیرا آنها را "امتعه" یا "غنیمت جنگ"⁶⁶ تصور می کنند (به این باور که گویا زنان از مردان پایینتر بوده و باید با آنها مثل یک متعاق رفتار صورت گیرد). در عین زمان، مرتکبین می توانند مردان و پسران را از طریق تجاوز جنسی مورد هدف قرار دهند، البته به عنوان یک ستراتیزی برای "زن جلوه دادن" آنها و/یا هم به خاطر که "عزت و وقار" آنان را لطمه زده باشد، به آنها به عنوان یک زن یا "همجنسگرا" رفتار نمایند (به این باور که گویا مردان جایگاه بالاتر از زنان و افراد LGBTQI+ دارند).

64 محکمه استیناف ICTY اعلام نمود که "داشتن انگیزه شخصی، شخص مرتکب را از داشتن قصد خاص باز نمی دارد" و تاکید نمود که "عین مسئله در مورد جرائم جنسی نیز صدق می کند، که نباید به سادگی به خاطر عنصر جنسی آن با سایر اعمال خشونت آمیز متفاوت تلقی شود". دادستان در برابر *Dordjević*, *IT-05-87/1-A*، فیصله محکمه استیناف، پاراگراف 887. محکمه بین المللی ICTY کوچکا دریافتہ است که خشونت جنسی که علیه زنان در حالت توقیف صورت گرفته اند، به عنوان "پیامد طبیعی یا قابل پیش‌بینی" حبس آنها به شمار می رود، چون خشونت، به شمول تجاوز جنسی و سایر انواع خشونت و آزار جنسی، به مثابه انواع پذیرفته شده خشونت می باشند که علیه زنانی که به عنوان یک دشمن قوی مورد هدف قرار می گیرند، صوت گرفته است. دادستان در برابر کوچکا، *IT-98-30/1-T*، فیصله محکمه، پاراگراف 327.

65 به خاطر باید داشت که انگیزه های شخصی مانند "فرصت" و یا "ارضای جنسی" برای اثبات قصد تبعیض آمیز به تنها یک کافی نمی باشند، با آنکه می توانند قصد تبعیض آمیز را در بر داشته باشند.

66 تمام قربانیان تجاوز جنسی با خطرو تحریر روبرو اند. در بسا موارد، زنان و دختران می توانند هدف تجاوز جنسی قرار گیرند، زیرا شخص مرتکب تجاوز جنسی را بخشی از نقش قربانیان می داند، مثلاً در شرایط بدگ جنسی. در قضیه "تجاوز جنسی تنبهی" می توانند زنان و دختران هدف قرار گیرند تا همجنسگرایی آنان "معالجه" شود. در دو مورد اخیرالذکر، ممکن شخص مرتکب توسط تحریر ناشی از رفتارش ترغیب نشده باشد (انگیزه نیافرته باشد).

52. سرانجام، انگیزه های شخصی که در آن قصد تبعیض آمیز مشهود نیست، قصد تبعیض آمیز را نیز نفی نمی کند⁶⁷. بناءً مرتکبین عین ارتکاب تعذیب می توانند همزمان با داشتن انگیزه های شخصی که در آن قصد تبعیض آمیز مشهود نیست، انگیزه های داشته باشند که در آن قصد تبعیض آمیز مبتاز باشد. به عنوان مثال، امکان دارد مجرم به یک زن به خاطر تحقیر وی و یا "ارضای جنسی خویش" تجاوز نماید.⁶⁸

53. قصد تبعیض آمیز به اظهار جانبداری یا تعصب نیاز ندارد. کافیست نشان داده شود که عملکرد شخص مرتکب بر مبنای جنسیت بوده است⁶⁹. به عنوان مثال، امکان دارد شخص عملکرد های تعذیب مانند بردگی و یا ازدواج اجباری با یک زن یا دختر را "حق" خود دانسته و به همچو عملکرد از روی تعصب شخصی دست نزده باشد و یا نخواسته باشد قربانی را مجازات نماید (لطفاً به پراگراف های شماره 91 و 96 مراجعه نمایید). با آنهم، همچو عملکرد ها بر مبنای جنسیت صورت می گیرند.

54. با وجود آن، شناسایی انگیزه های شخصی، جانبداری و تعصب می تواند از اهمیت به سزاپرخوردار باشد، زیرا آنها می توانند به مثابه عوامل تشدید کننده عمل کنند، علیخصوص زمانیکه همچو عملکرد ها علاوه بر کمک کردن به اثبات قصد تبعیض آمیز، بر مبنای جنسیت نیز صورت گیرند⁷⁰. از اینرو، لازم است تا قصد و انگیزه مرتکبین به صورت دقیق بررسی و برملاً شود.

55. ممکن مرتکبین بنابر دلایل متعدد و بهم تنیده به عملکرد تعذیب دست بزنند. ممکن و به صورت عموم تعذیب جنسیتی با اشکال دیگر تعذیب سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی و سایر مبناهایی که در چهارچوب قوانین بین الملل غیرمجاز پنداشته می شوند، تداخل می داشته باشد⁷¹.

عنصر چهارم: اینگونه سوء رفتار در پیوند با هرگونه عملکردی که در بند اول ماده 7 اساسنامه آمده است، و یا هرگونه جرمی که ایجاب رسیدگی عدلي و قضائي را می کند، صورت گرفته است.

56. بر مبنای ماده 7 (h)، تعذیب جنسیتی باید در پیوند با هرگونه عملکردی که در بند اول ماده 7 ذکر شده است و یا هر جرمی که تحت صلاحیت محکمه باشد، صورت گیرد. بناءً جنایات مذکور می تواند شامل نسل کشی، جنایات علیه بشریت، جرایم جنگی و جرایم تجاوز باشد.

67 انگیزه های شخصی ارتکاب خشونت جنسی به عنوان شکنجه، قصد تبعیض آمیز را تحت شعاع قرار نمی دهد، دادستان در برابر کوچکا ([IT-98-30/1-A](#)) فیصله محکمه استیناف، پراگراف 463، دادستان در برابر *Kunarac* ([IT-96-23 & 23/1-A](#)) فیصله محکمه استیناف، پراگراف های 103 و 153.

68 لطفاً به پراگراف های 32، 66 و 67 که در مورد تحقیر به عنوان یک از عوامل سببی ظلم و استبداد بحث می کند، مراجعه نمایید.

69 به عین ترتیب، در چهارچوب قوانین بین الملل حقوق بشر در مورد تبعیض، هیچگونه الزامی برای اثبات جانبداری واقعی وجود ندارد.

70 قواعد طرز العمل و شواهد ([Rules of Procedure and Evidence](#))، قاعده 145 (2) (b) (v). شرایط تشدید کننده مندرج در قاعده 145 (2) (b) (v) قواعد شامل "ارتکاب جرم به هر انگیزه ای که باشد و متضمن تبعیض به هر یک از دلایل ارائه شده در پراگراف 3 ماده 21 باشد" است که جنسیت را دربر می گیرد، می باشد.

71 لطفاً به پراگراف 41 در فوق مراجعه نمایید، همچنان به تأیید اتهامات الحسن ([Al Hassan Confirmation of Charges](#)) نیز مراجعه کنید. دفتر رسیدگی به امور قبل از محکمه در قضیه الحسن در مورد تداخل بین انواع مختلف جنسیت و تبعیض نژادی تبصره نموده و خاطر نشان ساخته است که "خشونت علیه زنان می تواند توسط ملاحظات مرتبط با زنگ پوست انگیزه بگیرد، زیرا زنان دارای پوست تیره بیشتر از دیگران از خشونت متأثر می شوند، عین مسئله در مورد مردان دارای پوست تیره نیز صدق می کند که به گفته شماری از شاهدان، در مقایسه با افراد دارای پوست روشن بیشتر مورد ظلم و استبداد قرار گرفته اند". تأیید اتهامات الحسن ([Al Hassan Confirmation of Charges](#)), پراگراف 702. همچنان اتهامات تعذیب جنسیتی همراه با زمینه های با هم مرتبط و تبعیض آمیز قومی، سیاسی و یا مذهبی در قضایای سید و الرحمن به چشم می خورد. فیصله تأیید الرحمن، ([ICC-02/05-01/20-433](#)) و فیصله تاییدی سعید، ([CC-01/14-01/21-218](#))

57. اتهامات تعذیب جنسیتی می تواند دربر گیرنده طیف وسیع جرایم و جنایات باشد و در پر نمودن خلا های ناشی از فرهنگ معافیت از مجازات ممد واقع شود. همچنان، اینگونه اتهامات می تواند در شناسایی یک عذر عملکرد های مبتنی بر جنسیت که امکان دارد در حاشیه اکثریت جرایم قانونی دریافت شوند و یا دریافت نشوند، نیز کمک کننده باشد.

58. تعذیب جنسیتی می تواند با سایر جرایمی که سبب وارد نمودن صدمات غیرفیزیکی به افراد می شوند، مانند حمله بر دارایی و اموال محفوظ، مرتبط باشد⁷²، به عنوان مثال، هدف قرار دادن اماکنی که برای گروه مورد هدف حائز اهمیت اند. اماکن مذکور شامل مراکز تاریخی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی، آموزشی، اجتماعی و صحی، دفاتر و سایر محلات تجمع، عبادتگاه ها، آرشیف، آثار ادبی و هنری که برای زنان، دختران یا افراد LGBTQI+ مهم اند، بوده می توانند. تخریب اماکن متذکره را می توان تعذیب جنسیتی تلقی نمود.

عنصر پنجم؛ اینگونه سوء رفتار به عنوان بخشی از یک حمله گسترده و یا سیستماتیک علیه افراد ملکی، صورت گرفته است.

عنصر ششم؛ شخص مرتکب می دانست که اینگونه سوء رفتار به عنوان بخشی از یک حمله گسترده و یا سیستماتیک علیه افراد ملکی بوده و یا قصد انجام آن را داشته است.

59. لازم نیست که عملکرد تعنیی گسترده و یا سیستماتیک باشد، مشروط بر اینکه اینگونه عملکرد (ها) بخشی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک علیه یک جمعیت ملکی باشد.

60. در حالیکه به شواهد عملکرد های مکرر تعذیب جنسیتی در جریان یک حمله نیاز نیست، اما می تواند از ماهیت گسترده بودن و یا سیستماتیک بودن "حمله" علیه جمعیت ملکی حمایت نماید.

61. برای مشخص ساختن تعذیب جنسیتی مطابق اساسنامه به اثبات یک پالیسی یا پلان ارتکاب جرایم مبتنی بر جنسیت نیاز نیست. در عوض، همانند سایر انواع جنایت علیه بشریت مطابق اساسنامه، نیاز است تا حمله گسترده و یا سیستماتیک علیه یک جمعیت ملکی در روشنایی یک پالیسی دولتی یا سازمانی، به اثبات برسد.

62. دفتر دادستان حین ارزیابی ماهیت همه جانبه یک حمله، این واقعیت را مدنظر می گیرد که اکثراً در قضایای تعذیب جنسیتی قربانیان متعدد وجود دارند، زیرا به جوامع متاثر شده و در مجموع به بشریت آسیب می رساند.

ششم. ارزیابی های مقدماتی

63. با در نظر داشت اساسنامه و قواعد، دفتر ارزیابی های مقدماتی اوضاع را انجام خواهد داد تا مشخص سازد که برای آغاز تحقیقات شرایط مساعد است یا خیر، مثلاً آیا مبنای معقول برای باور کردن وقوع جرایمی که تحت صلاحیت محکمه است، به شمول تعذیب جنسیتی، وجود دارد یا خیر⁷³.

64 دفتر مذکور حین اجرای آزمایشات مقدماتی به معلومات موجود در پیوند با تعذیب جنسیتی ادعا شده توجه خاص خواهد نمود. همچنان، دفتر به موانع موجود رسیدگی لازم خواهد نمود تا همچو جرایم، به شمول جرایمی که در آن زنان⁷⁴، مردان⁷⁵، دختران، پسران⁷⁶ و افراد LGBTQI+ مورد هدف قرار می گیرند، شناسایی شوند.

72 پالیسی در مورد میراث فرهنگی ([Policy on Cultural Heritage](#))، پاراگراف 29 (اینکه "انواع یا ابعاد مشخص میراث فرهنگی می تواند به طور خاص مورد هدف قرار گیرند، زیرا برای یک گروه مشخص، مانند یک جنس، یک جنسیت و یا گروه سنتی مشخص، از ارزش ویژه برخوردار می باشند").

73 ماده 53 (1) (a) - (c) اساسنامه ([Statute](#)). همچنان لطفاً به سند پالیسی در مورد آزمایشات مقدماتی ([Policy Paper on Preliminary Examination](#))، پاراگراف 2 نیز مراجعه نمایید.

65. جهت برملا ساختن و رسیدگی به آسیب هایی که اکثراً از نظر پنهان مانده اند، نیاز به یک تحلیل از منظر جنسیت وجود دارد. ارزیابی و بررسی تجاوز جنسی و سایر خشونت های جنسی یا غیرجنسی در حالت تجرید، می تواند منجر به نادیده گرفتن حقایق و الگوهای مرتبط شود که به ارتکاب آنها به عنوان نوعی از تعدیب جنسیتی دلالت می کند.⁷⁸ از اینرو، دفتر مذکور در راه اندازی تحلیل از منظر جنسیت در الگوهای جرمی (پtern های جرمی) معهده می باشد، تا وسعت و میزان آسیب هایی را که قربانیان متحمل شده اند به گونه درست درک شود و برای روند پاسخدهی و روی دست گرفتن اقدامات مناسب، اطلاع رسانی صورت گیرد.

66. دفتر مذکور با درک شدت تعدیب جنسیتی و اهمیت تحقیق و پیگرد آن، اطمینان حاصل خواهد نمود که پیامدهای ناگوار عملکرد ها و یا جرایم ادعا شده تعدیب جنسیتی، در تحلیل شدت قضایای احتمالی گنجانیده شده است.

67. دفتر مذکور حین ارزیابی شدت، انواع مختلف تعدیب، ماهیت چند بعدی عملکرد (ها) و رنج ناشی از آن، آسیب و سایر پیامدهای ناشی از همچو عملکرد ها و جرایم را مدنظر خواهد گرفت. همچنان دفتر مذکور یک رویکرد به هم تنیده را جهت ارزیابی مبنای تبعیض آمیز همچو عملکرد ها، روی دست خواهد گرفت.

68. دفتر مذکور زمینه عمومی را که جرایم ادعا شده در آن اتفاق افتاده است، مورد بررسی قرار خواهد داد، به ویژه در حالاتیکه تعدیب جنسیتی رخ داده باشد.⁷⁹ همچنان دفتر مذکور می تواند، اطلاعات تولید شده توسط یا برای نهادهای متعهد به حقوق بشر، دفتر سرمنشی، کارشناسان سازمان ملل متحده، میکانیزم های تحقیق و حسابدهی سازمان ملل متحده و سایر نهادهای میکانیزم ها و محکم منطقوی مرتبط به حقوق بشر، اسناید و نهادهای جامعه مدنی را به عنوان بخشی از تحلیل خویش مورد بررسی قرار دهد.

69. دفتر مذکور درک می نماید که در برابر روند شناسایی و جمع آوری اطلاعات پیرامون تعدیب جنسیتی چالش های فراوانی وجود دارد و می تواند به دنبال تعامل با دولت ها، کارشناسان و نهادهای سازمان ملل متحده، نهادهای محلی و بین المللی، اسناید، نهادهای جامعه مدنی، گروههای مختلف قربانیان/بازماندگان و سایر نهادهای و کارشناسان ذیربسط در مراحل مقدم، باشد.⁸⁰ دفتر مذکور می تواند مطابق آن به مراجع یاد شده درخواست شریک ساختن اطلاعات بدهد. همچنان، دفتر می تواند مأموریت های ساحوی را نیز در ساحة تحت پوشش خویش راه اندازی نماید تا بدین ترتیب با مراجع ذیربسط ملی و جوامع متاثر شده مشوره نماید.⁸¹

74. ستراتیزی جنسیت IIIIM (IIIIM Gender Strategy)، صفحات 4 - 5. "عدالت برای جرایم که بیشتر مردان و پسران را مورد هدف قرار می دهند (مانند قتل و استخدام اجباری)، و شدت و پیامدهای ناگوار آنها، اکثراً در صدر اولویت ها قرار دارد، حالانکه جرایم که زنان و دختران را به طور نامناسب متأثر می سازند (مانند ازدواج اجباری و بیجامدن اجباری)، و شدت و پیامدهای ناگوار آنها، اکثراً نادیده گرفته می شوند."، ستراتیزی جنسیت IIIIM (IIIIM Gender Strategy)، صفحه 4.

75. "مشکل دیگر ناشی از کلیشه سازی اینست که حقوق بشر و سtanانه بین الملل به شکل دوامدار جرایم تجاوز جنسی را با زنان مرتبط دانسته و بدین ترتیب سوء تعبیر در مورد اینکه گویا مردان و پسران را متأثر نمی سازند، تقویت می بخشد. این امر روند برملا ساختن و رسیدگی به خشونت جنسی علیه مردان را با دشواری رویرو می سازد، زیرا کلیشه سازی منف، قربانیان مرد را به دلیل توسع از انزجار، همگسگرا هراسی و ننگ و عار مرتبط به آن، باز می دارد." ستراتیزی جنسیت IIIIM (IIIIM Gender Strategy)، صفحه 12.

76. ستراتیزی جنسیت IIIIM (IIIIM Gender Strategy)، صفحه 12.

77. "همچنان کلیشه سازی اکثراً بدین معناست که در مورد خشونت جنسی علیه افراد دارای گرایش جنسی، هویت جنسی مختلف و اطفال گزارشده و رسیدگی صورت نمی گیرد. ستراتیزی جنسیت IIIIM (IIIIM Gender Strategy)، صفحه 12.

78. ستراتیزی جنسیت IIIIM (IIIIM Gender Strategy)، صفحه 5.

79. لطفاً به سند پالیسی در مورد جرایم جنسی و مبتئی بر جنسیت (Policy Paper on Sexual and Gender-Based Crimes) و سند پالیسی در مورد آزمایشات مقدماتی (Policy Paper on Preliminary Examinations) و سند پالیسی در مورد آزمایشات مقدماتی (Policy Paper on Preliminary Examinations)، پاراگراف 86، مراجعه نمایید.

80. لطفاً به سند پالیسی در مورد آزمایشات مقدماتی (Policy Paper on Preliminary Examinations)، پاراگراف 85-86، مراجعه نمایید.

81. لطفاً به سند پالیسی در مورد آزمایشات مقدماتی (Policy Paper on Preliminary Examinations)، پاراگراف 85، مراجعه نمایید.

70. دفتر مذکور تا حد امکان تلاش خواهد نمود تا دولت ها را ترغیب نماید که تحقیقات و پیگرد عدلي و قضایي شفاف را در مورد تعذیب جنسیتی به سطح ملی انجام دهند. همچنان، مراجع ملی ذیربیط و سایر نهاد ها را تشویق خواهد نمود تا موانعی را که فرا راه روند رسیدگی مناسب قرار دارند، از میان بردارند و از قربانیان همچو جرایم حمایت نمایند. عدم اجرات دقیق به سطح ملی، در روشنایی شاخص هایی که در پالیسی ارزیابی های مقدماتی دفتر ارائه گردیده است، مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت⁸². دفتر مذکور می تواند در قالب ارزیابی متممه خود، يك ارزیابی جداگانه را در مورد قابلیت و علاقمندی مراجع ملی مدنظر بگیرد، تا به قضایای تعذیب جنسیتی طوری رسیدگی صورت گیرد که از سایر کتگوری های جرایم تمایز باشد.

71. دفتر مذکور تلاش خواهد نمود تا در برابر رویداد های روز افزون خشونت که می تواند قضایای تعذیب جنسیتی را در پی داشته باشد و یا سبب تشدید آنها شود، عکس العمل به موقع نشان دهد. همچنان دفتر مذکور در مراحل اولیه با دولت ها، کارشناسان و دفاتر ذیربیط سازمان ملل متحد و نهاد های جامعه مدنی کار خواهد نمود تا اطلاعات مرتبط به تعذیب جنسیتی را تصدیق نمایند⁸³. همچنان، دفتر می تواند در مواردی که صلاحیت دارد اعلامیه صادر نماید تا از تشدید قضایای تعذیب جنسیتی جلوگیری صورت گیرد، به مرتكبین هشدار دهد و بالاخره اجرات صادقانه را به سطح ملی ترغیب نماید.

هفتم. تحقیقات

72. دفتر مذکور تعذیب جنسیتی را در مراحل اولیه تحقیقات به گونه دقیق مورد بررسی قرار خواهد داد و به شکل فعالانه تحقیقات ویژه را در آن شامل خواهد نمود تا چگونگی ارتکاب همچو جرایم مشخص شود. این امر متضمن استفاده موثر از منابع، اختصاص زمان کافی برای جمع آوری و تحلیل شواهد، پلانگداری ستراتیژیک و تصمیم گیری می باشد.

الف. آمادگی

73. دفتر مذکور نقض حقوق اساسی، ارتباط آنها با همچو عملکرد ها و جرایم و هدف قرار دادن اعضای یک یا چند گروه یا اجتماع را شناسایی خواهد نمود. کارمندان، آموزش های طرح ریزی شده را دریافت خواهد نمود تا آنها را در راستای شناسایی الگو ها، خطوط قرمز و شاخص های واقعی مرتبط با عملکرد تعذیب به شمول تعذیب جنسیتی، یاری رسانند.

74. کارمندان در جلسات تنویر شرکت خواهند ورزید و از آنها مطالبه صورت خواهد گرفت تا خود را فعالانه با سنت های محلی، آداب مذهبی، عادات و مسایل فرهنگی، منجمله وضعیت زنان، دختران، مردان، پسران و افراد LGBTQ+ در این زمینه آشنا سازند. همچنان دفتر مذکور هرگونه ادعای نقض حقوق اساسی (به منظور درک اینکه در صورت موجودیت معمولاً چگونه در منطقه ظاهر می شود) و سایر عواملی را که می توانند در فعالیت های تحقیقات و بروسه مصاحبه ممد واقع شود، بررسی خواهد نمود. شناسایی متخصصین ذیربیط و یا شاهدان ارائه کننده اطلاعات در مورد زمینه تاریخی، فرهنگی و اجتماعی که جرایم در آن رخ داده است، جزء جدایی ناپذیر تمام تحقیقات قضایای تعذیب جنسیتی به شمار می رود. دفتر مذکور می تواند کارشناسان کشور را که از دانش و/یا تجارب ویژه در مورد مسایل مربوطه برخوردار اند، در ترکیب تیم های متحد مدنظر گیرد.

75 شبکه ها در تحقیقات موثر در مورد تعذیب جنسیتی از اهمیت به سزایی برخوردار اند. همچنان می تواند در راستای رسیدگی به چالش هایی که در تحقیقات مرتبط به جرایمی که بر مبنای جنسیت صورت گرفته اند، مانند شناسایی قربانیان و شاهدان، مدد واقع شوند. دفتر مذکور، به منظور ایجاد شبکه ها، اطلاعات به دست آمده در مرحله آزمایشات مقدماتی مرتبط به جوامع محلی و موجودیت نهاد های جامعه مدنی ذیربیط را مدنظر خواهد داشت.

82 سند پالیسی در مورد آزمایشات مقدماتی ([Policy Paper on Preliminary Examination](#))، پاراگراف های 50 – 55.

83 سند پالیسی در مورد آزمایشات مقدماتی ([Policy Paper on Preliminary Examination](#))، پاراگراف 18.

76. در صورت نیاز، دفتر مذکور با توجه به چالش‌ها و حساس بودن تعامل با قربانیان و شاهدان تعذیب جنسیتی، افراد مناسب که می‌توان آنها را به عنوان میانجی برای حمایت از تحقیقات انتخاب نمود، شناسایی خواهد کرد. در حالاتیکه میانجی‌های محلی قابل دسترس نباشند و یا نمی‌توان آنها را شناسایی نمود، دفتر مذکور می‌تواند برای دریافت کمک به نهاد‌های جامعه مدنی منطقوی و بین‌المللی دارای تجارب مرتبط، مراجعه نماید.⁸⁴

77. حين تعامل با قربانیان یا شاهدان، تیم مصاحبه کننده آنها را با استفاده از ضمایر جنسیت که خود شان ترجیح می‌دهند خطاب خواهند کرد و از جنسیت و زیانی که با فرهنگ ایشان سازگاری داشته باشد، استفاده به عمل خواهد آورد. تیم مذکور فکتور‌ها و مشخصات مرتبط به مترجمان و مصاحبه کننده‌گان را ارزیابی خواهد کرد و از هرگونه کلیشه سازی خودداری خواهد نمود. تیم مصاحبه و مترجمان برای تعامل و مصاحبه با قربانیان یا شاهدان، به شمول افراد LGBTQI+، آمادگی‌های لازم را روی دست خواهند گرفت. آمادگی‌های مذکور می‌تواند شامل آشنایی با تعبیرات و سایر ارتباطات/افهام و تفہیم‌های لفظی، غیرلفظی و یا متناسب به سن و سال باشد، که می‌تواند توسط افرادی که با آنها مصاحبه صورت می‌گیرد برای اشاره به عملکرد‌های مرتبط به تبعیض جنسیت در زمینه خاص تحقیقات، مورد استفاده قرار گیرد. همچنان، آنها به منظور آشنایی با واژه‌های مناسب و دقیق برای توصیف عملکرد‌های مرتبط به تبعیض جنسیت، خشونت و آسیب، معلومات لازم و واژه‌نامه‌ها را دریافت خواهند نمود. تیم مصاحبه ترجیحات شاهدان را در پیوند با جنسیت و سایر فکتور‌ها و مشخصات مرتبط به مترجمان و مصاحبه کننده‌گان، ارزیابی خواهد نمود و از هرگونه کلیشه سازی اجتناب خواهد ورزید.

ب. تحقق بخشیدن

78. طوری که در بند 1 ماده 68 اساسنامه تسجيل گردیده است، دفتر مذکور اقدامات متعدد را روی دست خواهد گرفت تا از مصوّنیت، سلامتی جسمی و روانی، محرومیت و حیثیت قربانیان و شاهدان، به ویژه در پیوند با جرایم جنسی و مبتغی بر جنسیت، محافظت نماید. به همین ترتیب، دفتر مذکور حين تعامل با قربانیان و شاهدان تعذیب جنسیتی، از مقررات محافظت کننده مندرج در اسناد پالیسی در مورد جرایم جنسی و مبتغی بر جنسیت و اطفال، و مقررات مرتبط به مشارکت در چهارچوب سند پالیسی در مورد مشارکت قربانیان⁸⁵، پیروی خواهد نمود. علی‌الخصوص دفتر مذکور هرگونه تهدید، آسیب پذیری، محافظت و حمایت ویژه را که بالای قربانیان یا شاهدان تعذیب جنسیتی، خاصیتاً زنان، اطفال و افراد LGBTQI+، اثربنده باشد، مدنظر خواهد گرفت.

ج. تحلیل

79. تحلیل ابعاد اجتماعی حقوق بشر قبل از منازعه می‌تواند به عنوان یک شاخص محرومیت از حقوق اساسی که در محدوده زمانی یک تحقیق اتفاق افتاده اند، مفید باشد. مرتكبین می‌توانند به نورم‌های تبعیض آمیز جنسیت که از قبل موجود اند اتکا نمایند و یا آنها را تشدید نمایند، تا تعذیب جنسیتی را تسهیل بخشند، که به نوبه خود می‌تواند به عنوان شواهد تعذیب جنسیتی پنداشته شود. تبعیض جنسیتی که از قبل موجود باشد، نمی‌تواند عملکرد تعذیب جنسیتی را توجیه کند. افزون بر آن، قانونی بودن و غیر قانونی بودن همچون اعمال در قوانین ملی ربطی به موضوع ندارد.⁸⁶ درست مانند انواع دیگر تعذیب، هیچ‌الزای وجود ندارد که رفتار شخص مرتكب باید با سطوح قبلي تبعیض مبنی بر جنسیت تداخل داشته باشد و یا از آن فراتر رود، تا بتواند به عنوان تعذیب جنسیتی واجد شرایط پنداشته شود.

84 به عنوان مثال، فهرست خشونت جنسی و مبتغی بر جنسیت دفتر امور زنان سازمان ملل متحد ([UN WOMEN-JRR Sexual and Gender-Based Violence Roster](#)) تخصص خود را در عرصه درگیری و شرایط دیگر با جامعه بین‌المللی در میان می‌گذارد.

85 سند پالیسی در مورد مشارکت قربانیان ([Policy Paper on Victims' Participation](#))، به استثنای مواردی که بالای آنها بند دوم ماده 32 اساسنامه ([Statute](#)) اعمال می‌شود.

80. دفتر مذکور اطلاعات را جمع آوری نموده و الگوهای جرمی را از لحاظ حقوق اساسی تحلیل خواهد نمود، تا اطمینان حاصل نماید که عملکرد ها یا جرایم ممنوعه به عنوان ابزار اعمال تبعیض جنسیت صورت گرفته اند، یا خیر. همچو تحلیلی می تواند ما را در راستای برملا ساختن یک الگوی واضحتر تعذیب جنسیت یاری رساند. به عنوان مثال، مرتکبین می توانند از طریق بمب‌گذاری در مکاتب دختران و سایر تاسیسات آموزشی، مانع تحصیل دختران شوند⁸⁷، زنان و دختران را از مراقبت های صحبت باروری و سایر مراقبت های صحی محروم سازند و/یا قصد داشته باشند که از طریق جلوگیری از برآورده ساختن نیازمندیهای زنان و اعضای دختر خانواده، و از طریق بمب‌گذاری در شفاهانه هایی که از بخش های ولادی برخوردار اند⁸⁸، مردان را تحقیر نمایند، از طریق به آتش کشانیدن مراکز فرهنگی متعلق به افراد +LGBTQI و یا هدف قرار دادن نهاد های ارائه کننده خدمات و حمایت از گروه های آسیب پذیر، دست به تقویت عملکرد های زن ستیزانه یا همجنسگرا هراسی بزنند.

81. به همین ترتیب، دفتر مذکور یک تحلیل در هم تنیده را در پیوند با تعذیب جنسیت در پیش گرفته و تشخیص می دهد که همچو عملکرد ها و جرایم همچنان می توانند توسط سایر اشکال در هم تنیده تعذیب مندرج در ماده 7 (h) تشویق شود⁸⁹.

هشتم. پیگرد عدلي و قضائي

82. دفتر مذکور با اتکا به ارزیابی های مقدماتی، تحقیقات اولیه و جمع آوری و ارزیابی شواهد، اطمینان حاصل خواهد نمود که در حالاتیکه شواهد کافی در اختیار قرار داشته باشند، اتهامات تعذیب جنسیت را پیکری نماید. همچنان دفتر مذکور به دنبال تحقیق و محاكمه افرادی خواهد بود که مسوولیت ارتکاب تعذیب جنسیت که تحت صلاحیت محکمه قرار داشته باشند، را بر عهده دارند.

الف. گزینش اتهامات

83. اساسنامه صلاحیت رسیدگی به تعذیب جنسیت در رابطه با هرگونه عملکرد مندرج در ماده 7 (1) و یا هر جرمی که در صلاحیت محکمه باشد، را به محکمه اعطای نموده است. دفتر مذکور برای تحقیقات و پیگرد قضایی تعذیب جنسیتی، از چهارچوب قانونی استفاده به عمل خواهد آورد. همچنان دفتر مذکور در برابر تقویت حسابدهی در برابر همچو جرایم متعدد بوده و بدین وسیله می تواند در امر جلوگیری از آن و انکشاف طرزالعمل های قضایی در زمینه ممد واقع شود.

84. به منظور اینکه تمام آسیب های مرتبط به تعذیب جنسیت که در عملکرد تعذیب جنسیت به وقوع می پیوندد و شناسایي مشخصات چندبعدی آن، دفتر مذکور می تواند برای سایر جرایم جنسی و مبتنی بر جنسیت اتهامات کلی را جستجو نماید و یا پیگرد موضوعی جرایم جنسی و مبتنی بر جنسیت را انجام دهد، طوری که هر قضیه توسط شواهد حمایت می شود⁹⁰. همچنان دفتر مذکور می تواند برای تعذیب جنسیت که علیه اطفال صورت گرفته باشد، اتهامات جدگانه را جستجو نماید⁹¹.

87، به عنوان مثال، لطفاً به ائتلاف جهانی محافظت از تعلیم در برابر حمله ("GCPEA")، پیامدهای ناگوار تسليحات انفجاری بالای تعلیم؛ مطالعه قضیه افغانستان "،[The Impact of Explosive Weapons on Education: A Case Study of Afghanistan](#))، پاراگراف 87، نیز مراجعه نماید.

88 لطفاً به گزارش کمیسیون مستقل تحقیقات بین المللی در مورد جمهوری عربی سوریه ([Report of the independent international commission](#))،[Policy on Children](#))، پاراگراف 87، نیز مراجعه نماید.

89 همچنان لطفاً به پرagraf 41 در فوق، نیز مراجعه نماید.

90 لطفاً به سند پالیسی در مورد جرایم جنسی و مبتنی جنسیت ([Policy Paper on Sexual and Gender-Based Crimes](#))، پاراگراف 72 مراجعه نماید. همچنان دفتر مذکور اتهامات مجموعی را مدنظر خواهد گرفت، تا شدت، ماهیت چند بعدی و سایر پیامدهای ناشی از همچو جرایم علیه میراث فرهنگی و یا اثرگذار بالای آن را انکاس دهد. پالیسی در مورد میراث فرهنگی ([Policy on Cultural Heritage](#))، پاراگراف 109.

91 پالیسی در مورد اطفال ([Policy on Children](#))، پاراگراف 51.

ب. روش های مسؤولیت پذیری

85. به منظور حصول اطمینان از حسابدهی در سناریو های مختلف، دفتر مذکور طیف وسیع روش های مسؤولیت پذیری و عناصر روانی را مطابق ماده های 25، 28 و 30 اساسنامه، برای اتهامات تعذیب جنسیتی مدنظر خواهد گرفت و بر مبنای شواهد موجود تصامیم اتخاذ خواهد نمود.

86. بر مبنای ماده 25 اساسنامه، افراد به شمول فرماندهان نظامی و آمرین غیرنظامی می توانند به ارتکاب قضایای تعذیب جنسیتی مسؤول پنداشته شوند، خواه به صورت انفرادی، خواه به صورت مشترک و یا از طریق شخص دیگر و یا در صورت دریافت دستور، درخواست، تشویق و کمک کردن در ارتکاب جرم و یا هم تلاش در راستای ارتکاب آن و یا به نحوی از طریق شرکت ورزیدن در آن، صورت گرفته باشد. فرماندهان نظامی و آمرین غیرنظامی نیز می توانند بر مبنای ماده 28 اساسنامه، با در نظر داشت مکلفیت های فرمانده یا آمر، مسؤول شناخته شوند.

87. تعذیب جنسیتی می تواند علاوه بر سایر موارد، در نتیجه دستورات یا هدایات صحیح و یا ضمیم در مورد ارتکاب همچو جرایم، اتفاق افتد. به عنوان مثال، شخص مرتکب می تواند آگاهی داشته باشد که تعذیب جنسیتی در رویداد های عادی، در نتیجه عملیات نظامی علیه جمعیت ملکی صورت گیرد. همچنان، تعذیب جنسیتی می تواند به دلیل یک لغزش (مثلاً کوتاهی در دستور دادن به زیرستان تا از افراد ملکی محافظت کنند، یا کوتاهی در مجازات نمودن جرایم مشابه که در عملیات های قبلی بر مبنای انگیزه های تبعیض آمیز صورت گرفته باشد) رخ دهد. همچنان اینگونه جرایم می توانند از اثر ترکیبی از سایر عوامل مرتبط تبعیض آمیز در تمام سطوح یک نهاد اتفاق بافتد.

ج. شواهد

88. تعذیب جنسیتی می تواند از طریق عملکرد تعذیبی که به شکل غیرمتناسب و خاصتاً علیه یک گروه یا اجتماع مورد هدف و یا علیه اعضای گروه مذکور صورت می گیرد، به اثبات برسد. در موارد دیگر، تعذیب جنسیتی می تواند با هدف قرار دادن اعضای یک گروه یا اجتماع که در هیچ نشانه اینگونه عدم تناسب وجود نداشته باشد، به اثبات برسد. (لطفاً به پاراگراف های 50-51 مراجعه نمایید).

89. امکان دارد گروه ها از طریق دستورات مستقیم که در ستراتیژی جنگ ریشه دارد⁹²، و یا تلاش های هماهنگ و مبتدولوژیک⁹³، مورد هدف قرار گیرند. به عنوان مثال، مرتکبین می توانند حین تلاش برای ادامه مقررات تبعیض آمیز و باور هایی که به عنوان نمونه های تعذیبی در عملکرد های جرمی پنداشته می شوند، به اقدامات ممنوعه دست بزنند. (لطفاً به مثال های پاراگراف های 80 و 91 مراجعه نمایید).

90. تجارب محکمه جزایی بین المللی و سایر محاکم نشان داده اند که اکثرآ هیچگونه شواهد مستقیم مبنی بر دستور به ارتکاب جرایم جنسی یا مبتنی بر جنسیت، وجود ندارد⁹⁴. در همچو وقایع، شواهدی مانند الگوهای عملکرد های قبلی و بعدی و یادداشت های مشخص و پالیسی های سازمانی موجود و رویکرد کلی گروه در مورد اعضای گروه مورد هدف و مسایل جنسیت، می تواند مطرح شود، تا آگاه بودن شخص مرتکب از وقوع همچو جرایم را در جریان رویداد های عادی، که زمینه را برای تحقق عنصر روانی مندرج در ماده 30 (2) (b) اساسنامه فراهم می سازد، به اثبات برساند و می تواند با در نظر داشت نوع روش مسؤولیت پذیری که مدنظر گرفته شده است، کافی باشد. دفتر مذکور حین تحلیل عملکرد های تعذیب جنسیتی، پوتابنیشیل کامل این مقرره را بررسی خواهد نمود و رویکرد های قضیه ستراتیژیک را مدنظر خواهد گرفت، تا قابلیت پیش بینی جرایم جنسی و مبتنی بر جنسیت را ایجاد نماید.

92 فیصله محاکمه Ntaganda Trial Judgement (Ntaganda Trial Judgement)، پاراگراف های 293 – 799.

93 فیصله محاکمه Ongwen Trial Judgement (Ongwen Trial Judgement)، پاراگراف های 212، 222، 2098، 2099، 2099، 2099، 2312- 2313.

94 سند پالیسی در مورد جرایم جنسی و مبتنی بر جنسیت (Policy Paper on Sexual and Gender-Based Crimes)، پاراگراف 81.

91. معیارات جنسیت که مرتکبین آنرا بالای اعضای گروه‌ها یا اجتماع مورد هدف تحمیل می‌دارند، در واقع سبب محرومیت شدید از حقوق اساسی می‌شود، که امکان دارد ذریعه یکده رفتارها کنترول شود، مانند چگونه لباس پوشند، در کجا کار کنند، در کجا زندگی کنند، اجازه دارند چه چیز را مصرف کنند، خانواده خود را چگونه توصیف کنند، و یا خیلی ساده اینکه آیا آنها اجازه موجودیت دارند یا خیر. (طفاً به پارagraf 24 مراجعه نمایید). همچنان آنها می‌توانند ساختارها و معیارات تبعیض آمیز جنسیت، قومیت و نژاد را که توسط استعمار و بردۀ داری شکل گرفته است، با خود داشته باشند. از اینرو، تعذیب جنسیتی می‌تواند علاوه بر سایر ویژه‌گی‌ها بر مبنای شواهد باشد، البته زمانیکه:

عملکرد‌ها یا جرایم به عنوان مجازات برای انحراف از معیارات جنسیت تحمیل شده توسط مرتکبین صورت گرفته باشد. به عنوان مثال، آنده زنان یا دخترانی که با نپوشیدن دستکش در بازار از مقررات لباس پوشیدن سریچی می‌کنند، ممکن با تتبیه بدنه روپرتو شوند.⁹⁵ آنده مردان و پسرانی که برخلاف تصورات مردانگی شان از سبک‌های پیروی می‌کنند که مرتکبین آنرا به عنوان "رفتار و یا لباس پوشیدن نامطلوب" می‌شناسند، ممکن با مجازات شکنجه یا قتل روپرتو شوند.⁹⁶

عملکرد یا جرم به ذات خود معیاراً را به نمایش بگذارد که شخص مرتکب آنرا بالای افراد تحمیل می‌دارد. به عنوان مثال، امکان دارد یک شخص مرتکب به این باور باشد که زنان و دختران متعلق به یک قوم مشخص باید به بردوی گرفته شوند.⁹⁷ ممکن مردان و پسران وادار ساخته شوند تا بجنگند.⁹⁸ امکان دارد زنان و دختران برای رسیدگی به امور منزل مانند پخت و پز، شستن لباس یا رسانی به مریضان وادار به بندگ شوند، البته بر مبنای اینکه محول ساختن همچو فعالیت‌ها به نقش‌های جنسیت زنان و دختران همخوانی دارند.

عملکرد‌ها یا جرایم، تلاش‌های مرتکبین را در راستای نشان دادن توانایی شان در اجرای مقررات جنسیت، به اثبات برساند. به عنوان مثال، مرتکبین می‌توانند در آنچه شرکت ورزند که آنها آنرا به عنوان "تجاوز جنسی تنبه‌ی" و "پاکسازی اجتماعی" می‌پندارند، یعنی کشتن و یا تجاوز جنسی بالای افرادی که "نامطلوب" تلقی می‌شوند، مانند زنان تن فروش 100 و افراد LGBTQI+¹⁰¹.

عملکرد‌ها یا جرایم مرتبط با سایر ابعاد تعذیب، که مطابق اساسنامه ممنوع بوده و بازتاب دهنده ساختارها و معیارات اجتماعی موجود می‌باشندکه مرتکبین از آنها علیه گروه‌های مورد هدف بر مبنای نژاد و قومیت و غیره استفاده می‌کنند. به عنوان مثال، امکان دارد برای تعذیب دلایل متعدد وجود داشته باشد که موجب خشونت و سایر آسیب‌هایی در برابر زنان افریقایی تبار و بومی شود.¹⁰²

95 به عنوان مثال، لطفاً به بیانیه افتتاحیه دادستان محکمه جنایی بین المللی، فاتو بنسودا، در استماعیه تأیید اتهامات علیه الحسن، ([Statement of the Prosecutor of the International Criminal Court, Fatou Bensouda, at the Opening of the Confirmation of Charges Hearing in the Case against Al Hassan](#)، مؤخر 8 جولای 2019 مراجعه نمایید).

96 به عنوان مثال، لطفاً به دفتر امور زنان سازمان ملل متحد، به مطلب جنسیت و نقش زنان در پروسه صلح کولمبیا ([Gender and the Role of Women in Colombia's Peace Process Report on the Protection of Civilians in the Armed Conflict in Iraq: 1 May – 31 October 2015](#))، (سال 2016)، صفحه 10، گزارش دفتر کمیشنری عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد (OHCHR)، (UNAMI)، گزارش در مورد حمایت از افراد ملکی در خشونت‌های مسلحانه در عراق بین اول می‌الی 31 اکتبر 2015، صفحه 19، مراجعه نمایید.

97 به عنوان مثال، لطفاً به گزارش دفتر کمیشنری عالی حقوق بشر شام (داعش) و گروه‌های وابسته به آن صورت گرفته اند ([A/HRC/28/18](#))، 27 مارچ 2015، پاراگراف 35. مراجعه نمایید، این مثال می‌تواند بازتاب دهنده ظلم و استبداد جنسی و قومی باشد.

98 به عنوان مثال، لطفاً به فیصله تأیید الرحمن، ([CC-02/05-01/20-433](#)) و فیصله تأیید سید، بیانیه دادستان فاتو بنسودا، در مورد نتیجه گیری آزمایشات مقدماتی وضعیت در نایجیریا ([ICC-01/14-01/21-218. Statement of the Prosecutor, Fatou Bensouda, on the conclusion of the preliminary examination of the situation in Nigeria](#)، 11 دسامبر 2020، مراجعه نمایید).

99 به عنوان مثال، لطفاً به ([Colombia Diversa, ¿Quién nos va a contar?](#))، (ماه سپتامبر 2020)، صفحات 65 و 86-88 تحت عنوان (گزارش در مورد اینکه زنان دو جنسه وادر شده اند تا در منزل کار نمایند)، مراجعه نمایید.

100 به عنوان مثال، لطفاً به کمیسیون مستقل حقوق بشر آمریکا (IACHR)، خشونت و تبعیض علیه زنان در خشونت‌های مسلحانه در کولمبیا، ([OEA/Ser.L/V/II](#))، 18 اکتبر 2006، پاراگراف 97، مراجعه نمایید.

101 به عنوان مثال، لطفاً به دفتر امور زنان سازمان ملل متحد به مطلب تحت عنوان جنسیت و نقش زنان در پروسه صلح کولمبیا ([Role of Women in Colombia's Peace Process](#)، (سال 2016)، صفحه 14، مراجعه نمایید).

102 به عنوان مثال، لطفاً به ([Comisión para el Esclarecimiento de la Verdad, la Convivencia y la No Repetición, Hay futuro si hay verdad, informe final](#))، (ماه جولای 2022)، صفحات 73-98، لیزا دیویس، تراویشی از کتاب‌های قانون: شناخت ظالم و استبداد مبنی بر جنست در 20 Nw. J. (Dusting Off the Law Books: Recognizing Gender Persecution in Conflicts and Atrocities)، (سال 2021) صفحات 42-51، مراجعه نمایید.

92. تعذیب جنسیتی می تواند افراد را بر مبنای جنسیت و فرهنگ آنها مورد هدف قرار دهد. به عنوان مثال، ممکن افرادی بخاطر میراث فرهنگی مشترک و یا به خاطر اهمیت میراث فرهنگی به خود شان، مثلاً رهبران مذهبی یا معنوی، به برداشت گرفته شوند و یا قربانی جرم حاملگی اجباری شوند¹⁰³. محدودیت های مبتنی بر جنسیت در آزادی حرکی یا آزادی مذهبی نیز می تواند قربانیان را از حق دسترسی یا لذت بردن از ارزش های فرهنگی شان محروم سازند. دفتر مذکور یک تحلیل را در مورد میراث فرهنگی روی دست خواهد گرفت، با تمرکز به اینکه انواع یا ابعاد مشخص میراث فرهنگی می تواند به گونه خاص مورد هدف قرار گیرند، زیرا برای گروه هایی که بر مبنای جنسیت مورد هدف قرار می گیرند، از ارزش خاص بخوردار اند¹⁰⁴. دفتر مذکور ضمن حمایت از حقایق، رابطه میان تعذیب جنسیتی و میراث فرهنگی را در اتهام برجسته خواهد نمود¹⁰⁵.

93. دفتر مذکور درک می کند که تعذیب جنسیتی می تواند اطفال را به خاطر جنسیت شان مورد هدف قرار دهد¹⁰⁶. عملکرد های تعذیب جنسیتی علیه اطفال می تواند شامل ازواج اجباری¹⁰⁷، برداشت جنسی و برداشت خانگی باشد¹⁰⁸، یا ممکن پس از به جنگیدن با یکدیگر وادار شوند¹⁰⁹.

94. دفتر مذکور تلاش خواهد نمود تا با استفاده از منابع مختلف شواهدی را برای اثبات قصد تبعیض آمیز و آگاهی متهم ارائه نماید¹¹⁰. پالیسی ها، پلان ها، قواعد و مقررات و سایر ابزار برای بیان معیارات جنسیت، می توانند در قالب های مختلف بیانیه های شفاهی و یا مطالب کتبی ارائه شوند مانند آموزش، هنر و ادبیات، رسانه های دیداری و شنیداری، مواد آموختی و مذهبی، منظور ها، احکام، فرامین، بروشور ها، مجلات، برگه های معلوماتی، پوستر ها، نشرات رادیویی و تلویزیونی، آثار هنری، گرافیک، پست های انترنتی مانند رسانه های اجتماعی یا پست های وبلگ، دستورات، سخنرانی ها و حرف های روزمره. همچنان می تواند حاوی عناصر مرتبط به پیشینه و عملکرد قبلي یک مظنون باشد، که دلالت به قصد و جانبداری خصمانه از جنسیت، در واکنش گروه ها یا مرجع مظنون به جنایات می نماید. همچنان دفتر مذکور می تواند شواهد و مدارک مستند موجود در گزارش های نهاد های جامعه مدنی، دانشگاه ها، کارشناسان یا نهاد های ذیربیط سازمان ملل متحد، کمیسیون های تحقیقاتی و پوشش رسانه ای را بررسی نماید.

95. شواهد مختلف مرتبط به قصد تبعیض آمیز می تواند شامل عملکرد ها و اظهارات مرتکبین مستقیم دخیل در قضیه، قوانین، پالیسی ها یا مقررات اعلام شده توسط گروه یا مراجع مرتكب، استفاده از اظهارات مبنی بر نفرت پراکنی، اهانت لفظی و تبعیض آمیز علیه اعضای گروه مورد هدف، یا بیانیه های عمومی مرتبط به دلایل جرایم و عملکرد هایی که ایجاد پیگرد عدلي و قضایي را می نماید، باشد. همچنان، می توان آنرا از الگوی هدف گیری تخمن نمود، مانند جرایمی که منحصرآ یا عمدهاً علیه افراد یا گروه های خاص و نه علیه دیگران انجام می شود، یا جدای افراد بر مبنای ویژگی های جنسیت آنها. قصد و آگاهی را می توان از عملکرد های قبلی یا بعدی نیز تخمين نمود.

103 سند پالیسی در مورد جرایم جنسی و مبتنی بر جنسیت ([Policy Paper on Sexual and Gender-Based Crimes](#))، پاراگراف 60 (iii).

104 سند پالیسی در مورد جرایم جنسی و مبتنی بر جنسیت ([Policy Paper on Sexual and Gender-Based Crimes](#))، پاراگراف 29.

105 سند پالیسی در مورد جرایم جنسی و مبتنی بر جنسیت ([Policy Paper on Sexual and Gender-Based Crimes](#))، پاراگراف 60 (iii).

106 سند پالیسی در مورد جرایم جنسی و مبتنی بر جنسیت ([Policy Paper on Sexual and Gender-Based Crimes](#))، پاراگراف های 51 و 86. 107 قضیه شماره (002/02) ECCC ([ECCC/SC-2007-09-19/002](#))، خلاصه حکم استیاف در مورد قضیه (002/02) پاراگراف 58. ECCC تأیید می نماید که قربانیان مقایت جنسی اجباری و ازواج اجباری هم قربانیان زن و هم قربانیان مرد را دربر می گیرند. پاراگراف های 58 و 63. عن عملکرد ظلم و استبداد می تواند علیه چندین گروه مورد هدف، بنابر قصد تبعیض آمیز متفاوت صورت گیرد. لطفاً به پاراگراف های 50 – 51 در فوق نیز مراجعه نمایید.

108، به عنوان مثال، لطفاً به فیصله محکمه آنکوئین ([Ongwen Trial Judgement](#))، پاراگراف های 216 و 220 و 217 و 50 – 51 در فوق نیز مراجعه نمایید.

109، به عنوان مثال، لطفاً به دفتر امور زنان سازمان ملل متحد، به مطلب جنسیت و نقش زنان در پروسه صلح کولمبیا (سال 2016) ([Gender and the Role of Women in Colombia's Peace Process](#))، (گزارش یک رویدادی که در آن 16 تن جوانان همجنسگرا مجبور شدند که با همدیگر در داخل رینگ بوکس مبارزه نمایند)، صفحه 9، مراجعه نمایید.

110 به عنوان مثال، لطفاً به دادستان در برابر تایلر ([SCSL-03-01-T](#)) فیصله محکمه، پاراگراف های 6815 – 6876 و 6880، مراجعه نمایید.

96. هرچند عقاید یا انگیزه‌های شخصی از شروط لازم مسؤولیت پذیری کیفری فردی در تعذیب جنسیتی به شمار نمی‌رود، اما می‌تواند دلالت به قصد تبعیض آمیز نماید، خاصتاً در صورتیکه توسط مرتكبین مستقیم دخیل در قضیه قبل، در جریان و یا پس از ارتکاب جرم اظهار شده باشد. بعضاً اینگونه باورها به حدی درونی و عادی تلقی می‌شوند که امکان دارد مرتكبین آنرا بیان نکنند و یا به آن از یک زاویه جانبداری بنگرنند. در همچو قضاای، توجه به جنسیت قربانیان، الگوهای مبتنی بر جنسیت هدف‌گیری یا اینکه آیا جرم مورد نظر از ماهیت جنسی برخوردار بوده است یا خیر، می‌تواند ما را در امر تشخیص موجودیت تبعیض، بیشتر کمک نماید و به عنوان مدارک اثبات کننده نیت یا قصد عمل نماید¹¹¹ (الطفاً به پاراگراف های 52 – 54 مراجعه نمایید).

97. دفتر با کارشناسان مشوره خواهد نمود، و در صورت نیاز شهادت آنها را در مورد ابعاد مختلف تعذیب جنسیتی، مانند پیامد های اجتماعی-سیاسی، اقتصادی یا محیطی آن بالای جوامع متاثر شده، مطالبه خواهد نمود. همچنان کارشناسان می‌توانند در شناسایی الگوهای عملکرد های تعذیبی، به شمول تعذیب جنسیتی و ارتباط آن با سایر جرایم و محرومیت از حقوق اساسی و سایر ابعاد تعذیب، ممد واقع شوند. بدین ترتیب، دفتر مذکور می‌تواند مشارکت احتمالی با نهادهای بین‌المللی یا داخلی، کارشناسان و نهادهای ذیربیط سازمان ملل متعدد، اساتید یا سایر کارشناسان را که قادر به شهادت یا ارائه اظهارات کتبی در مورد نگرانی های تعذیب جنسیتی اند، بررسی نماید.

د. صدور حکم

98. در توصیه برای صدور حکم مناسب، دفتر عوامل مختلف را مدنظر خواهد گرفت، مانند شدت تعذیب جنسیتی، پیامدهای ناگوار جرم مذکور بالای قربانیان گروههای مورد هدف بر اساس جنسیت (مانند توجه ویژه به آسیب پذیری زنان، دختران، پسران و افراد LGBTQI+)، آسیب بین‌النسلی، و شرایط انفرادی شخص محکوم¹¹². دفتر مذکور بالای این موضوعاتی تأکید خواهد ورزید که جرایم تعذیب جنسیتی باید از لحاظ صدور حکم خیلی‌ها جدی پنداشته شوند و دفتر به این باور است که شواهد انگیزه تبعیض آمیز شخصی می‌تواند عامل تشدید کننده مجازات باشند¹¹³.

ه. استیناف طلبی

99. در تصامیم خویش پیرامون استیناف طلبی و دعواهای ستراتیزیک، دفتر شدت جرایم تعذیب جنسیتی را که علیه قربانیان متاثر شده، خانواده‌های آنها، جوامع آنها، جامعه بین‌المللی و تمام بشریت صورت گرفته است، یا بالای آنها اثرگذار می‌باشد، مدنظر خواهد گرفت.

نهم. پرداخت غرامت (جبران خساره)

100. دفتر از یک رویکرد مبتنی بر جنسیت در بیوند با پرداخت غرامت (جبران خساره) حمایت می‌نماید، البته با در نظر داشت پیامدهای مبتنی بر جنسیت بالای قربانیان که از تعذیب جنسیتی متاثر شده اند، و آسیب‌های ناشی از آن که فرد مورد نظر به خاطر آن محکوم شده است. همچنان دفتر حقوق قربانیان برای ادغام مجدد در جوامع خود را مدنظر خواهد گرفت.

111 فیصله محاکمه Ongwen، (Ongwen Trial Judgement)، پاراگراف های 212 و 2082.

112 ماده 78 (1) اساسنامه (Statute)، قواعد طرزالعمل ها و شواهد، (Rules of Procedure and Evidence) قاعده 145 (1) و (2) عوامل متعددی را که در تعیین حکم باید مدنظر گرفته شوند، به شمول شرایط تشدید و تخفیف، نیز فهرست نموده است.

113 قواعد طرزالعمل و شواهد (Rules of Procedure and Evidence)، قاعده 145 (2) (b) (v). شرایط تشدید کننده مندرج در قاعده 145 (2) (b) (v) قواعد شامل "ارتکاب جرم به هر انگیزه‌ای که باشد و متضمن تبعیض به هر یک از دلایل ذکر شده در پاراگراف 3 ماده 21 باشد" است که جنسیت را دربر می‌گیرد، می‌باشد.

101. افزون بر آن، دفتر مذکور از مشوره با قربانیان، به شمول تحلیل جنسیت توسط یک نهاد مناسب به منظور مشخص ساختن مؤثرترین و مناسبترین اشکال غرامت در یک جامعه معین، حمایت خواهد نمود. هدف رویکرد مذکور تقویت غرامت‌های متحول و کمک کننده در رشد عدم تبعیض و برابری جنسیتی می‌باشد.

102. دفتر در چهارچوب هرگونه مقررات، به خاطر خواهد داشت که غرامت فردی، به شمول غرامات غیر پولی مانند عذرخواهی، می‌تواند احساس قربانی را در مورد عدالت تقویت نماید¹¹⁴. در عین زمان، غرامات دسته جمعی مانند گرامیداشت و یا بازسازی مراکز و دفاتر فرهنگی و اجتماعی و سایر محلات تجمع، آرشیف‌ها، هنر و ادبیات مثلاً متعلق به زنان، دختران یا جوامع و افراد LGBTQI+ و مکاتب یا تسهیلات صحی، می‌تواند آشتی را در جامعه به ارمغان آورد و برای گروه‌های قربانیان بیشترین سود را به همراه داشته باشد¹¹⁵.

دهم. همکاری و روابط خارجی

103. همکاری همه جانبیه در انجام تحقیقات و پیگرد عدلي و قضایي مؤثر توسط دفتر مذکور، از اهمیت به سزاپرخوردار است. بناءً، دفتر به تلاش هایش در راستای تقویت همکاری و حمایت از فعالیت‌های خود، خاصتاً در عرصه رسیدگی به قضایی تعذیب جنسیتی و جلوگیری از آن، و تقویت یک رویکرد مبتنی بر جنسیت با در نظر داشت عدالت جزاپی بین‌المللی، ادامه خواهد داد.

104. دفتر مذکور با دولت‌ها، نهاد‌های بین‌المللی و سایر دست اندکاران ذیربیط فعالانه کار خواهد کرد تا از دریافت کمک‌های لازم برای اجرای فعالیت‌های خویش اطمینان حاصل نماید، میزان حمایت دیبلوماتیک و سیاسی از کار خود را افزایش بخشد و مؤثثیت فعالیت‌های خود را که به نحوی با عملکرد های تعذیب جنسیتی ارتباط دارند، بهبود بخشد. با توجه به اینکه روابط با شرکای خارجی تا حد زیاد فعالیت‌های خود را بهبود و غنماندی بخشیده است، دفتر مذکور همکاری خود را با کارشناسان مجرب سازمان ملل متحد، منجمله نمایندگان خاص، کارشناسان مستقل و گزارشگران ویژه¹¹⁶ سازمان ملل متحد، نهاد‌ها و بازیگران متخصص سازمان ملل متحد، نهاد‌های جامعه مدنی و اساتید گسترش و تقویت خواهد بخشد و از تجارب و اندوخته‌های انان سود خواهد برد.

105. دفتر مذکور فقدان معلومات و آگاهی در مورد جرایم تعذیب جنسیتی را در استناد و تلاش‌های حسابدهی جرایم جنسی و مبتنی بر جنسیت درک می‌کند. مطابق به ابتکار جدید دفتر در راستای تقویت بیشتر نقش جامعه مدنی¹¹⁷، دفتر مذکور به دنبال حمایت و تقویت همکاری با نهاد‌های می‌باشد که از تجارب مستند سازی و کار با قربانیان همچو جرایم ببخورداراند. دفتر مذکور به کار فعالانه خویش در راستای ایجاد و گسترش شبکه‌ها ادامه خواهد داد و در مورد چگونگی تعامل با دولت‌ها، نهاد‌های جامعه مدنی و مؤسسات آکادمیک، از مشاور ویژه رسیدگی به قضایی تعذیب جنسیتی کمک خواهد خواست تا حمایت آنها را در راستای تلاش برای تشخیص قضایی تعذیب جنسیتی و قربانیان اینگونه جرایم، جلب نماید.

114 به عنوان مثال، لطفاً به طرز العمل غرامت/جبران خساره (Lubanga Dyilo)، پاراگراف‌های 9 - 13، مراجعه نمایید.

115 به عنوان مثال، لطفاً به طرز العمل غرامت/جبران خساره (ICC-01/04-01/06-2867)، پاراگراف‌های 14 - 15، مراجعه نمایید.

116 کارشناسان سازمان ملل متحد که در پیوند با عملکرد های تعذیب جنسیتی تبصره های خویش را ارائه نموده اند یا از مکلفت های مرتبط با حسابدهی عملکرد های تعذیب جنسیتی ببخورداراند، به عنوان مثال، شامل دفتر نایینده خاص سرمنشی سازمان ملل متحد در مورد خشونت جنسی در درگیری ها می‌باشد، و در مورد اطفال و خشونت های مسلحانه، شامل کارشناس مستقل محافظت در برابر خشونت و تبعیض بر مبنای گرایش جنسی و هویت جنسی، و گزارشگران ویژه سازمان ملل متحد در موارد اعدام های فرقانوی، اجمالی و خودسرانه، خشونت علیه زنان و دختران، علل و پیامدهای آن، حق صحت، شکنجه و سایر رفتار یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، پیرامون تقویت حقایق، عدالت، غرامت/ جبران خساره و تضمین از عدم وقوع مکرر در عرصه حقوق فرهنگی، و گروه کاری سازمان ملل متحد در مورد تبعیض علیه زنان و دختران، می‌باشد.

117 دادستان محکمه جنایی بین‌المللی کریم، A. A. Khan، QC ابتکار جدیدی را برای تقویت تعامل با جامعه مدنی اعلام نمود ([ICC Prosecutor Karim A.A. Khan QC announces new initiative to strengthen engagement with civil society](#)، مؤخر 13 می 2022).

106. دفتر مذکور فراتر از فعالیت های خویش و از طریق ارتباط داشتن با سایر دست اندکاران، همواره تلاش به خرج می دهد تا نیازمندیهای حسابدهی را در پیوند با قضایای تعذیب جنسیتی، از طریق مأموریت ها، سخنرانی ها و اشتراک در کنفرانس ها و برنامه های آموزشی و به صورت عموم از طریق کمک به انکشاپ یک شبکه جهانی و گسترش آن در میان نهاد های تحقیقاتی و عدلي و قضایی به منظور در میان گذاشتن اطلاعات و تجارب، مشخص سازد و در آن نقش ایفا نماید. همچنان دفتر مذکور با دولت ها، نهاد های جامعه مدنی و سایر دست اندکاران کلیدی فعالانه کار خواهد نمود تا موثریت جلوگیری و رسیدگی به قضایای تعذیب جنسیتی بهبود یابد. به همین ترتیب، دفتر تشخیص می دهد که ایجاد ریکارد موقفیت آمیز قضایای عدلي و قضایی تعذیب جنسیت و طرزالعمل های قوی عدلي و قضایی در مورد عناصر قانونی جرم، می تواند به عنوان یک سابقه ارزشمند به تلاش های حسابدهی داخلی و منطقوی کمک نماید.

یازدهم. نهادینه سازی

107. دفتر تلاش به خرج خواهد داد تا از داشتن شایستگی و حمایت لازم در اجرای موثر وظایف محوله اش در پیوند با قضایای تعذیب جنسیتی، اطمینان حاصل نماید. فراهم ساختن حمایت کافی برای واحد جندر و اطفال (GCU) و تقویت روند نهادینه سازی مهارت های از منظر جنسیت در هر تیم واحد و سایر بخش ها و واحد های تخصصی، از روش های حصول اطمینان از تمرکز دقیق در تحقیقات و پیگرد قضایای تعذیب جنسیتی، به شمار می رود.

108. دفتر مذکور همواره از فعالیت هایش در عرصه تحقیقات و پیگرد قضایای تعذیب جنسیتی نظارت به عمل خواهد آورد. همچنان دفتر مذکور در صورت نیاز تجارب موفق را در پیوند با رسیدگی به قضایای تعذیب جنسیتی، به شمول نمونه های میکانیزم های حسابدهی داخلی و منطقوی، شناسایی، مستند سازی و انکشاپ خواهد داد. این کار یادگیری و حفظ اندوخته های سازمانی ناشی از تجارب را تقویت خواهد بخشید. تا حد امکان، به نمایش گذاشتن آگاهی، دانش و تجارب موفق در پیوند با شناسایی و کارکردن بالای ابعاد تعذیبی قضایی، از طریق رهبری تیم تقویت خواهد یافت.

109. دفتر درک می نماید که نیاز به تقویت تخصص داخلی در پیوند با قضایای تعذیب جنسیتی، چه در شرایط خشونت و چه در شرایط غیرخشونت، است. همچنان دفتر به استخدام افرادی که در این عرصه از تخصص و تجارب لازم برخوردار باشد، ادامه خواهد داد و در صورت نیاز از تخصص خارجی نیز مستفید خواهد شد.

110 بر مبنای بند 9 ماده 42 اساسنامه، دادستان مشاورین و کارشناسان شناخته شده را که در عرصه حقوق و بخش های ویژه تخصص دارند، به شمول مسایل خشونت جنسی و مبتنی بر جنسیت، توظیف نموده است، تا ظرفیت دفتر را بیشتر ارتقا بخشدند و در مورد پالیسی ها، طرزالعمل ها و مقررات حقوقی مشوره های لازم بدنهند¹¹⁸. در ماه سپتامبر 2021، دادستان مشاور ویژه رسیدگی به قضایای تعذیب جنسیتی را توظیف نمود تا مسوده پالیسی در مورد تعذیب جنسیتی را تهیه نماید و دفتر را در راستای ارتقای ظرفیت و پاسخدهی موثر در برابر تعذیب جنسیتی و تطبیق یک رویکرد مبتنی بر جنسیت در تمام زمینه های کاری دفتر، یاری رساند¹¹⁹.

118 به تاریخ 17 سپتامبر 2021، دادستان دو پست جدید مشاور ویژه را ایجاد نمود ([Special Adviser appointments](#)) که رسیدگی به جرایم مرتبط به ظلم و استبداد مبتنی بر جنسیت رسیدگی می نماید که از یک سو دستورات مربوطه را تحقق و گسترش می بخشد و از سوی دگر دلالت به اهمیت رسیدگی به همچموجرایم می کند. لیزا دیویس ([Lisa Davis](#)) به عنوان مشاور ویژه رسیدگی به قضایای ظلم و استبداد مبتنی بر جنسیت توظیف شد. همچنان دادستان یک پست جدید مشاور ویژه در مورد جرایم بردۀ داری را نیز ایجاد نمود و پاتریشیا ویزز- سلرز ([Patricia Viseur-Sellers](#)) را در آن توظیف نمود. به همین ترتیب کیم توی سیلینگر ([Kim Thuy Seelinger](#)) به عنوان مشاور ویژه در مورد خشونت جنسی در درگیری تقرر حاصل نمود. افزون بر آن، ورونیک اوبرت ([Aubert Veronique](#)) به حیث مشاور ویژه در مورد جرایم مرتبط با اطفال منصوب گردید. در حالیکه تمام مشاورین ویژه تحلیل مبتنی بر جنسیت را در فعالیت های خویش مدنظر خواهند گرفت، این سمت های چهارگانه در راستای ارائه یک چشم انداز کلی در مورد جرایم مبتنی بر جنسیت در دفتر مذکور، کار خواهند نمود.

119 لطفاً به اعلامیه مطبوعاتی در مورد این مقرری ها مراجعه نمایید: دادستان محکمه جنایی بین المللی آقای کریم، A. A، خان، QC هفده مشاورین ویژه را توظیف نمود ([ICC Prosecutor Mr. Karim A.A. Khan QC appoints Seventeen Special Advisers](#)”, 17 سپتامبر 2021).

111. دفتر مذکور با راهنمای مشاور ویژه رسیدگی به قضایای تعذیب جنسیتی، مواد تحقیقاتی را با در نظر داشت شرایط، تهیه و تجدید خواهد نمود تا بتواند در شناسایی و تحقیقات قضایای تعذیب جنسیتی بیشتر مدد واقع شود، مانند: (1) پرسشنامه های موضوعی، (2) رهنمود های عناصر و (3) رهنمود های عملی برای تطبیق پالیسی ها و موادی که به طور مشخص جرایم تعذیب جنسیتی را تحت پوشش قرار می دهند، که در آن مردان، زنان و افراد +LGBTQI+ اطفال سنین مختلف، از تولد تا نوجوانی، به شمول آنهاییکه بنابر انواع متعدد و مرتبط تبعیض آسیب‌پذیر هستند، مورد هدف قرار می گیرند. همچنان دفتر مذکور به شکل دوامدار برای کارمندان خویش در مورد چگونگی طی مراحل درست قضایی قضایی تعذیب جنسیتی، برنامه های آموزشی ارائه خواهد نمود. به همین ترتیب، دفتر مذکور به شکل دوامدار کارمندان خویش را در مورد میتدولوژی جمع آوری و تحلیل شواهد و مدارک مرتبط به قضایای تعذیب جنسیتی، ارائه شهادت شاهدان در محکمه، چهارچوب قانونی مربوطه، و مسایل فرهنگی و جنسیت مرتبط با وضعیت و جوامع مشخص که قرار است تحقیقات در آن راه انداز شود، آموخت خواهد داد.

دوازدهم. تطبیق پالیسی

112. دفتر مذکور از فعالیت های خویش نظارت به عمل خواهد آورد تا اطمینان حاصل نماید که آزمایشات مقدماتی، تحقیقات و پیگرد عدلي و قضایي تعذیب جنسیتی را در مطابقت با پالیسی هذا و به گونه موثر انجام می دهد. همچنان دفتر مذکور از بروسه معیاري و نهادينه شده و دروس فراگرفته خویش استفاده به عمل خواهد آورد تا تجارب موفق را در رابطه با قضایای تعذیب جنسیتی شناسایی، مستند سازی و تطبیق نماید. این امر یادگیری و حفظ اندوخته های سازمانی ناشی از تجرب را تقویت خواهد بخشید.

113. پالیسی هذا و سایر قواعد و طرزالعمل های داخلی ذیربطر، به طور منظم مورد بازنگری قرار خواهدند گرفت تا تجارب موفق و سایر دستآوردهای مرتبط، به شمول طرزالعمل های عدلي و قضایي، در آن بازتاب یابند.

114. دفتر مذکور از روند تطبیق پالیسی، نظارت و ارزیابی خواهد نمود.